Archive of SID

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نامهٔ ایران بعد از اسلام، سال نهم، شمارهٔ شانزدهم، بهار و تابستان ۹۷، صفحات ۱۳۷-۱۸۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۱/۲۹

بحران آذربایجان به روایت کاریکاتور: تاملی تاریخی برنشریه تهران مصور (۱۳۲۴-۱۳۲۵)

مرین نوری امیرآبادی[۱]
سیمین فصیحی[۲]
اسماعیل حسن زاده[۳]

چکیده

این پژوهش تلاشی است در جهت روشن کردن شیوه‌های بازنمایی بحران آذربایجان در کاریکاتورهای نشریه تهران مصور که توسط گفتمان مدرنیسم پهلوی جهت تثبیت فهم و روایتی خاص از هویت ملی بکار گرفته شدند. برای تحلیل بیست و چهار کاریکاتور تهران مصور در فاصله زمانی شهریور ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۵ از روش نشانه شناسی اجتماعی بهره بردیم تا با مطالعه نظام‌های نشانه‌ای از جمله نمادها به درک واقعیت‌های عینی بحران آذربایجان و نگرش عمومی نسبت به آن دست یابیم. بررسی فرایند معنی‌دار شدن کاریکاتورها بر اساس سه فرانقش مهم بازنمودی، تعاملی و ترکیبی در رویکرد نشانه شناسی کرس و ون لیون نشان داد که گفتمان پهلوی آگاهانه با تقلید از نمادنگاری دوران انقلاب مشروطه و رضاشاهی به تثبیت آن بخش از مؤلفه‌های ایجابی هویت ملی پرداخت که وحدت ملی و امکان تجسم ایران به‌عنوان ملت واحد با مرزهای ثابت را فراهم می‌کرد. نمادهای قابل تصور و ملموس مانند نقشه، درخت، مادر وطن، تاریخ و شاهان پراقتدار و... در همین

۱ - دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه الزهراء تهران (نویسنده مسئول) m.noury@alzahra.ac.ir
۲ - استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء تهران fasihi@alzahra.ac.ir
۳ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء تهران e.hasanzadeh@alzahra.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

راستا بکار گرفته شدند. سکوت معنادار تهران مصور در خصوص نمادهای تمایزبخش قومی مانند زبان و قومیت و... با هدف انکار بحران در خودآگاهی عمومی نسبت به هویت جمعی برساخته‌ی ناسیونالیسم رسمی، انجام می‌شد. بهره‌گیری از نمادهایی دال بر توطئه، نفاق و صفات تمامیت خواهانه‌ی سران حزب توده و فرقه دموکرات به غیر سازی آنان کمک می‌کرد و مانع از آن بود تا فرقه اهداف خویش را سازگار با اصول مشروطیت و قانون اساسی جلوه دهد و یا به شیوه مشابه مرکز از شعارهای ناسیونالیستی جهت جلب حمایت و همدلی آزادی خواهان بهره گیرد. گفتمان جنسیت و خشونت در نمادنگاری کاریکاتورهای تهران مصور با تحریک غیرت ملی راه را برای عملیات سرکوبگرانه و نظامی در آذربایجان باز می‌کرد تا مفهوم اقتدار شاه و ارتش، ضامن استقلال و وحدت ملی کشور، تثبیت گردد.

واژگان کلیدی: کاریکاتور، نشانه شناسی اجتماعی، بحران آذربایجان، گفتمان ناسیونالیسم رسمی، فرقه دموکرات.

www.SID.ir

Archive of SID

The Azerbaijani Crisis Reflected in the Caricatures: The Historical Contemplation on Tehran Mossavar Magazine (1945-1946)

M. Nouri Amirabadi[1]

S. Fasihi[2]

E. Hasanzadeh[3]

Abstract

This research is an attempt to clarify the methods of representing the crisis of Azerbaijan in the caricatures of *Tehran Mossavar* magazine by Pahlavi's modernism discourse in order to consolidate a particular understanding and narration of the national identity. To analyze twenty four caricatures of *Tehran Mossavar* magazine in the period from September 1945 to December 1946, the method of social semiotics was used. This method was implemented to study the system of signs such as symbols to understand the real facts of the crisis of Azerbaijan and the general attitude toward it. A review of the process of adding meaning to the caricatures based on three important representative, interactive and combinational meta-roles in the semantic approach of Kress and van Leeuwen showed that the deliberate Pahlavi discourse, imitating the symbolism of the Constitutional Revolution and Reza Shah consolidated that part of the components of national identity which provided national unity and the possibility of portraying Iran as a united nation with fixed boundaries. Conceivable and tangible symbols such as map, tree, motherland, history, and kings, etc., were used to this end. The meaningful silence of *Tehran Mossavar* with regard to ethnically distinctive symbols such as language and ethnicity, etc. was with the aim of denying the crisis in the self-awareness of the public regarding the collective identity built upon official nationalism. The use of symbols indicating conspiracy, hypocrisy and totalitarian traits of the leaders of the Tudeh party and the Democratic Party contributed to their alienation

1 - Ph.D. student at Alzahra University of Tehran m.noury@alzahra.ac.ir
2 - Assistant Professor of History at Alzahra University of Tehran fasihi@alzahra.ac.ir
3 - Associate Professor, Department of History, Alzahra University of Tehran
e.hasanzadeh@alzahra.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

and prevented the sect from showing its goals consistent with the constitutional principles and constitutions. In the same way as the center, they benefited from the nationalist slogans to win the support and sympathy of the libertarians. The discourse of gender and violence in the iconography of caricatures in *Tehran Mossavar* with the instigation of national zeal opened the way for repressive and military operations in Azerbaijan to consolidate the concept of the authority of the Shah and the army, as the guarantors of the country's independence and national unity.

Keywords: Caricature, Social Semiotics, Crisis of Azerbaijan, Discourse of Official Nationalism, Democrats.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

در خصوص بحران آذربایجان پژوهش‌های متعددی با رویکردهای متفاوت از جمله نگاه ابزارگرایانه به قومیت که عامل خارجی را در بروز بحران برجسته ساخته تا دیدگاه‌هایی که آن را جنبشی ملی و تداوم بلاواسطه حرکت دموکراتیک نهضت مشروطه و شیخ محمد خیابانی تلقی کرده‌اند، انجام شده است. این امر تا حدی ناشی از دخالت نیروهای خارجی و نیز گروه‌های مختلف داخلی درگیر در این جریان است که هر یک به‌عنوان نماینده گفتمانی خاص آن را بازنمایی کرده‌اند. با توجه به این که بحران آذربایجان اولین چالش جدی دولت پهلوی و خودآگاهی عمومی از مفهوم ملیت بود و از سوی بسیاری از ملی‌گرایان ایران چالشی در یکپارچگی ملی تلقی می‌شد، باید پرسید که گفتمان پهلوی چگونه به بازنمایی بحران در چارچوب ناسیونالیسم رسمی پرداخت. چرا که در این بحران، گروه‌های رقیب از گفتمان ناسیونالیسم جهت جلب حمایت‌ها بهره بردند و یکی از مسائل تأمل برانگیز در این بحران شیوه مشابهی بود که هم دولت مرکزی تهران و هم حرکت‌های جدایی‌طلبانه در انتخاب شعارهای ناسیونالیستی انتخاب کردند. بدین صورت هر چند حکومت تبریز، تهران را برای انحصارطلبی در استفاده وسیع از زبان فارسی سرزنش می‌کرد، خود درون مرزهای جمهوری آذربایجان به تقلید از بسیاری از سیاست‌های دولت مرکزی گرایش داشت (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۱۵؛ فرزانه، ۱۳۹۶: ۱۷۹، ۲۶۲). بدین ترتیب این بحران اختلاف نظر در فهم عمومی از معنای ایران و هویت ایرانی را نشان می‌داد.

این پژوهش کاریکاتور را به مثابه متن تاریخی برگزید چرا که اوج هنر کاریکاتور در مطبوعات ایران همواره با ظهور تحولات اجتماعی و آزادی‌های موقت همراه بوده است و کاریکاتور همواره در دوران بحرانی و انتقالی از یکسو ابزاری مناسب برای کسانی بود که درصدد بودند تا با ارائه تعاریفی جدید از مفاهیم اساسی چون ملت، تجدد و... نمادهای قدیمی و جدید را به نحوی آشتی دهند و از سویی دیگر نوعی مبارزه مردمی با قدرت‌هایی بود که چون توان درافتادن با آنها نبود در این تصاویر به تمسخر گرفته می‌شدند (Balagh, 1998: 64). تحولات کیفی هنر کاریکاتور در ایران تا حد زیادی مرهون طنز تصویری خطه آذربایجان و نشریه فکاهی ملانصرالدین بود. نشریه ملانصرالدین زمینه و سنت طنز روسیه

www.SID.ir

Archive of SID

و کشورهای منطقه قفقاز را داشت که خود متأثر از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بود. به این دلایل و بخاطر وجود نوعی احساس و درک مشترک، کاریکاتورهای پرقدرت ملانصرالدین از نظر محتوا و سبک، الگوی تصویری کاریکاتوریست‌های نشریات دهه‌های بعدی چون آذربایجان، کشکول، بهلول، نسیم شمال، باباشمل و... قرار گرفت که تلاش داشتند تا به شیوه‌ای ساده با لایه‌های زیرین و میانی جامعه در تماس باشند و رویه‌ای انتقادی در برابر جهالت، خرافه، فقر، ستم، وطن‌فروشی حاکمان و به‌طورکلی وقایع سیاسی اتخاذ نمایند (رفیع ضیایی، ۱۳۸۱: ۴۰-۴۱). بررسی نمادنگاری کاریکاتورها در دوران انقلاب مشروطه و پهلوی حاکی از تحولاتی است که در زبان بصری کاریکاتورها برای خلق پیام‌های سیاسی و سمبل‌های جدید به‌وجود آمد. بی‌جهت نبود که نشریات سخنگوی گفتمان قومیت‌طلبی ترک در دوران بحران آذربایجان به جای خلق کاریکاتور، به گزینش و تجدید چاپ کاریکاتورهایی از نشریه ملانصرالدین پرداختند (آذربایجان، ۱۳۲۰/۱۲/۳، ش۳۱؛ آذربایجان، اوقتیابر- نویابر، ۱۹۴۵، نمره ۳-۴: ۶۱) تا مجبور نباشند متون بصری خویش را در چهارچوب مؤلفه‌های تثبیت شده و زبان بصری گفتمان هویتی حاکم تولید کنند و ناخودآگاه به سلطه‌ی بیشتر این گفتمان یاری رسانند. مسلم است که بررسی چگونگی بازنمایی بحران آذربایجان توسط گفتمان حاکم، می‌تواند در شناسایی مؤلفه‌ها و هاله‌های معنایی هر دو گفتمان راهگشا باشد لذا این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش است که گفتمان ناسیونالیسم رسمی از طریق نشریات وابسته به خویش، بحران آذربایجان را چگونه و در چه بافتی بازنمایی می‌کرد و با این بازنمایی در پی تثبیت یا طرد چه مفهومی بود و چه کارکرد ایدئولوژیکی را مدنظر داشت؟ این مهم با استفاده از نشانه شناسی اجتماعی کاریکاتورهایی جامه عمل خواهد پوشید که همزمان با حوادث فوق توسط نشریه تهران مصور وابسته به ارتش و دربار به چاپ می‌رسید.

در باره بحران آذربایجان آثار متعددی با رویکردهای متفاوت با تکیه بر اسناد و خاطرات و تاریخ‌نگاری‌های مرسوم نگاشته شده است اما در هیچکدام به کاریکاتور به مثابه یک متن تاریخی و بصری قاعده‌مند توجه نشده است. مقاله «مایکل امین» تحت عنوان «فروش و نجات مادر وطن» تنها پژوهشی است که با تمرکز بر چند کاریکاتور تلاش دارد تا چگونگی ترسیم ابعاد فرهنگی و اقتصادی گفتمان سیاسی جنسیت و خشونت را در بحران آذربایجان

www.SID.ir

Archive of SID

نشان دهد اما این پژوهش نیز به نشانه شناسی تصویر نپرداخته است (Michael Amin, 2001: 335- 361).

چارچوب مفهومی

کاریکاتور نوعی بازنمایی با استفاده از نشانه‌هایی است که به‌شکل فیزیکی درک و احساس می‌شوند (دانسی، ۱۳۷۸: ۲۰). از آنجا که کاریکاتورها به عنوان یک تصویر پیش از آنکه به‌شکل فیزیکی خوانده شوند به‌گونه‌ی ذهنی دانسته می‌شوند، هدف نشانه شناسی تصویری کشف قاعده‌های این خواندن یا تأویل با استفاده از رویکرد نشانه شناسی است. رویکرد نشانه شناسی اجتماعی کرس و ون لیون که به‌شکل جدی از پایگاه تحلیل انتقادی گفتمان وارد قلمرو نشانه شناسی شده است، با ارائه گرامر بصری می‌تواند به ما کمک کند تا با بررسی نظام نشانه‌ای کاریکاتورها، کارکرد گفتمانی آنها را بررسی نماییم و دریابیم که چگونه این متون دیداری در جهت بازتولید روابط قدرت، تولید هژمونی و مشروعیت به ایفای نقش می‌پردازند (نرسیسیانس، ۱۳۸۵: ۳۲ و سجودی، ۱۳۸۸: ۲۱۲) در نشانه شناسی اجتماعی دو روش تحقیق همزمانی و درزمانی در هم ادغام می‌شوند تا چگونگی ایجاد معنا در طول تاریخ و حتی درون جوامع کنونی را پیدا کنند. بنابراین تأثیر ویژگی‌های موقعیتی، تاریخ و به‌ویژه فرهنگ بر ایجاد معنا بین مردم مدنظر است(Van Leeuwen, 2005: 19). در نشانه شناسی اجتماعی رمزگشایی و تحلیل معنایی بر اساس مدلول‌های رایج و جاافتاده در هر جامعه صورت می‌پذیرد؛ از اینروست که در این نظریه برای شناسایی معانی متون باید علاوه بر تلاش برای درک معانی ضمنی، به تاریخچه‌ی معنایی که یک نشانه در گذشته داشته و معانی جدید که احتمالاً در آینده برای آن رقم خواهد خورد، نظر داشته باشیم. این همان منابع نشانه‌ای است که به افراد امکان می‌دهد که با ایجاد معناهای جدید، وضع موجود را تغییر دهند و آن را به وضع پایدار دیگری تبدیل کنند (Van Leeuwen, 2005: 4, 5, 45). کرس و ون لیون، سه فرانقش بازنمودی، تعاملی و ترکیبی را معرفی کردند که یک تصویر، همزمان جهت تولید معنا ایفا می‌کند:

معنای بازنمودی بصری، نشان از رابطه میان مشارکت کنندگانی دارد که در ساختاربندی بصری به تصویر کشیده شده‌اند و شامل دو الگوی روایی و مفهومی می‌گردد. در الگوی

www.SID.ir

Archive of SID

روایی دو فرایند کنش – واکنش توسط بُردارهایی مانند نگاه، بدن، اندام‌ها، ابزار، اسلحه و... محقق می‌شود و امکان ساخت یک روایت در مورد مشارکت کنندگان فراهم می‌گردد (Jewitt and Oyama, 2001:143). تصاویری که دارای بُردار نیستند، مفهومی‌اند و به لحاظ تصویری، اشیاء، مکان‌ها و اشخاص را تعریف، طبقه‌بندی و تحلیل می‌کنند. این تصاویر بر سه قسم هستند: ساخت طبقه‌بندی که با به نمایش گذاشتن وجوه اشتراک کار طبقه‌بندی را انجام می‌دهند؛ ساخت نمادین که به برجسته نمایی یک مشخصه (استفاده از نور، رنگ، جزییات زیاد و...) می‌پردازند و ساخت تحلیلی که مشارکت‌کنندگان را از دیدگاه ساختار جزء به کل به هم ربط می‌دهد (Kress and Van Leeuwen, 2006: 87-88).

در فرانقش تعاملی و یا میان فردی به چگونگی برقراری ارتباط میان مشارکت‌کنندگان درون تصویر و مخاطب پرداخته می‌شود و اینکه تولیدکنندهٔ متن به مخاطب چه می‌گوید و چگونه تعامل برقرار می‌شود و چگونه معناها به شخصیت‌ها و بیننده موقعیت می‌دهند. زاویه دید جهان بازنمایی شده در تصویر، تصویر افراد از نماهای مختلف و تماس مشارکت کنندگان در تصویر با مخاطب به‌وسیله‌ی حالات مختلف چهره و نوع نگاه در الگوی کرس و ون لیوون با سه مولفه‌ی «تماس»، «فاصله» و «زاویه دید» مشخص می‌شود. این سه بعد به همراه وجه نمایی (یا ارزش واقعی) نقش عمده‌ای در ایجاد رابطه خاص میان بینندگان و تصویر درون قاب دارند (Kress and Van Leeuwen, 2006: 122-147) وجه‌نمایی با این مسئله در ارتباط است که یک نشانه چقدر با واقعیت منطبق است یا ادعای آن را دارد. در فهم یک متن، مفسران اغلب در مورد میزان باورپذیری واقعیات قضاوت می‌کنند. این کار بر پایه دانش آنها نسبت به جهان (رمزگان اجتماعی) و رسانه (رمزگان متنی) استوار است (چندلر، ۱۳۸۷: ۳۳۲).

فرانقش ترکیبی پاسخ‌هایی به سؤال «چگونه عناصر تصویر (در فرانقش بازنمودی و میان فردی) در یک کل معنادار مرتبط می‌شوند و یا معانی در درون متنی پویا ردیف و ادغام می‌شوند؟» است. در هر تصویر و متن همراه آن، سه فرانقش با هم کار می‌کنند تا یک پیام بصری را برای بیننده بسازند. از نظر کرس و ون لیون فرانقش ترکیبی از طریق سه نظام برجسته‌سازی، ارزش اطلاعاتی و قاب‌بندی دو فرانقش دیگر را ادغام می‌کند تا یک «کل

www.SID.ir

Archive of SID

معنادار» تشکیل دهد (Kress and Van Leeuwen, 2006: 176). بسته به این که یک عنصر درون سه دوگانه ناحیه‌های تصویری (چپ/راست؛ بالا/پایین؛ مرکز/حاشیه) قرارگیرد، ارزش اطلاعاتی خاصی به آنها می‌دهد (ضیمران، ۱۳۸۲: ۱۱۱). به عقیده کرس و ون لیون جایگیری چپ- راست در فرهنگ غربی ساختارهای تثبیت شده - نو را ایجاد می‌کند. بخش بالایی یک ترکیب بصری، اطلاعات آرمانی اطلاعات را مجسم می‌کند و خواستار برانگیختن احساس ماست. پایین تصویر اختصاص به آن چیزی دارد که واقعی است و با جزئیات عملی و اطلاعات کاربردی سروکار دارد. هدف قاب‌بندی‌ها هویت جداگانه بخشیدن به عناصر تصویر است و به مرزبندی‌ها کمک می‌کند. برجستگی، دلالت بر شیوه ای دارد که در آن برخی عناصر یک ترکیب بصری به‌نحوی چیده شده‌اند، تا نسبت به عناصر دیگر چشم‌گیرتر به‌نظر آیند. جنبه‌هایی همچون محل قرارگیری عناصر در پیش زمینه و پس زمینه تصویر، اندازه آنها، رنگ، تضاد و کنتراست و... می‌توانند سلسله مراتب اهمیت میان عناصر تصویر را ایجاد کنند (Kress and Van Leeuwen, 1996: 201).

زمینه‌های بحران آذربایجان

پیامدهای عملی سیاست‌گزاری‌های فرهنگی و اقتصادی پهلوی که برآیند ناسیونالیسم رسمی، شبه مدرنیسم و استبداد حکومت بود مانند ممنوعیت استفاده از زبان ترکی و قدغن شدن تاریخ و مدنیت آذربایجان و بی‌توجهی به رونق اقتصادی این خطه و... نقطه‌ی شروع شکل‌گیری نهضت آذربایجان بود. قیام‌های دهقانی در طول سال‌های ۲۴- ۲۰، شورش نان در تبریز در اسفند ۲۱ به خاطر خروج غله توسط دولت (فریاد، ۱۳۲۲، ش۲۱، اردبیلیان، ۱۳۲۴-۱۳۲۵: ۱۴؛ ملازاده، ۱۳۹۱: ۱۳۸) و... تأییدی بود بر این که اوضاع وخیم اقتصادی به‌ویژه در روستاهای آذربایجان یکی از اصلی‌ترین عوامل بروز بحران بود (حسنلی: ۶۱، ۸۱، ۱۱۳). در آذربایجان، دیکتاتوری، قلدری حکام و ژاندارمری و نیز یوغ فئودالیسم همراه باستمِ ملی بیداد می‌کرد (فرزانه، ۱۳۹۶: ۵۴- ۵۶).

بررسی نظریات نخبگان چپ‌گرای آذری ما را به این نتیجه می‌رساند که اینان در آستانه حکومت پهلوی اول فاقد گرایش‌های قومی بودند. افرادی چون دکتر ارانی، خلیل ملکی و حتی پیشه‌وری پیش از جنبش آذربایجان به گفتمان هویتی که توسط گروه‌های چپ تقریر

www.SID.ir

Archive of SID

می‌شد و بر خودمختاری خلق‌ها پای می‌فشرد، تمایلی نشان نمی‌دادند و همانند کارگزاران رسمی دوران رضاشاه چون تقی‌زاده، کسروی، فروغی، محمود افشار – موسس «انجمن ایران جوان» در جستجوی راه‌حلی برای ایجاد وحدت ملی و حکومت مقتدر، مواضعی ملی اتخاذ نموده بودند و به‌هیچ وجه به مسأله جدایی روی خوش نشان نمی‌دادند (ارانی، فرنگستان، ۱۳۰۳، ش۵: ۲۵۴؛ ایرانشهر، ۱۳۰۳، ش ۶/۵: ۳۵۵؛ پیشه‌وری، ۱۳۷۸: ۲۹،۳۰۲؛ ملکی، ۱۳۶۰: ۳۵۹؛ ۱۳۷۶: ۱۱۶). حتی پیشه‌وری که بر مطالبات محلی آذربایجان از مرکز تأکید می‌کرد و به‌هیچ نوع اسارت ملی قائل نبود، در دفاع از وجه آزادی خواهانه و استقلال طلبانه‌ی قیام خیابانی در مقاله‌ای با نام «بشارت به آزادی خواهان ولایات و کلیشه‌های بزرگ» نوشت: «... آذربایجانی ایرانی است، او تجزیه نمی‌خواهد، او را با تهمتی که خودش تنفر دارد، نکشید.» (پیشه‌وری، ۱۳۷۸: ۱۷۶).

روزنامه آژیر در اوج تلاش حزب توده برای کسب امتیاز نفت شمال، قانون اساسی و انجمن‌های ایالتی را برنده ترین سلاح مبارزه با افکار تجزیه‌طلبی خواند چون با ایجاد رفاه و عدالت، وحدت محقق می‌شد و ایرانی دموکرات و نیرومند به وجود می‌آمد. اما جمعیت آذربایجان که در سال ۲۱ نماینده روحیات مردم و طبقه متوسط آذربایجان بود، از همان ابتدا گام‌هایی در تعصب ملی نسبت به آذربایجان و تأکید بر زبان ترکی برداشت (اتابکی: ۱۳۷۶: ۹۲،۱۰۱). به موازات رشد سریع حزب توده در آذربایجان مشکلات محلی به داخل حزب توده کشانیده شد و مباحثاتی را پیرامون «ملیت‌گرایی» و تعریف ملت ایجاد کرد. از نظر برخی سران ایالتی حزب، زبان ترکی موجب می‌شد تا آذربایجان ملتی جداگانه با حق تشکیل مجلس ایالتی شناخته شود اما سران حزب در تهران، ایران را کشوری یکپارچه و تجزیه‌ناپذیر و آذربایجان را جزیی از ملت و مملکت ایران می‌دانستند که در اقتصاد، فرهنگ و تاریخ کشور با خاک ایران سهیم است. این اختلافات به اولین کنگره حزب توده در تهران کشانده شد و حزب توده با وجود حمایت از برخی خواست‌های متعادل نمایندگان تبریز مانند انجمن‌های ایالتی و ولایتی، حقوق کامل اجتماعی یکسان و آزادی اقلیت‌های قومی، از پذیرش مردم آذربایجان به‌عنوان ملتی جداگانه و نیز آموزش زبان ترکی سرباز زد (آبراهامیان، بی‌تا: ۴۶۰– ۴۶۴). پس از تشکیل فرقه دموکرات، جمعیت آذربایجان به آن ملحق شد و روزنامه آذربایجان، ارگان فرقه بیشتر بر ملت آذربایجان تأکید نمود تا همه

www.SID.ir

Archive of SID

طبقات آذربایجان را علیه مرکز متحد سازد و در عین حال به‌تدریج شعارهای طبقاتی را برای استفاده از کینه قدیمی روستاییان نسبت به اربابان به کار گرفت و ۵۶ هزار نفر دهقان را به عضویت درآورد (مراغه‌ای: ۱۳۸۲: ۳۳۲، روزنامه آذربایجان، دی- بهمن۱۳۲۴؛ فوران۱۳۷۷: ۴۱۰) فرقه دمکرات برای تلقین حس تمایز علاوه بر تأکید بر استفاده از زبان آذری، از حس بی‌عدالتی و نارضایتی‌ها استفاده کرد و زمینداران را به‌خاطر فارس و خارجی بودن به‌عنوان نمایندگان دولت مرکزی تصویر کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۲۶۸؛ Ansari,2003:110-111). نشریه آذربایجان با هدف جلب طبقات پایین، کاریکاتورهایی را از دهقانان و کشاورزان بدبخت چاپ می‌کرد که توسط مالکان سنگدل آزار می‌شوند و یا سرمایه‌داران متمول و خوشگذرانی را ترسیم می‌کرد که برای پشیزی کارگران فقیر را می‌فریبند (شکل۱- نشریه آذربایجان، ۱۳۲۰/۹/۲۴، ش۱۳و ۸/۱۴/ ۱۳۲۰، ش۲).

یکی شدن شعبه ایالتی حزب توده با فرقه دمکرات و مهم‌ترین برنامه‌های آن شامل مختاریت مدنی و نیز تدریس زبان آذری با حیرت و مخالفت حزب توده مواجه شد اما این موضع‌گیری‌ها و نیز پیشنهاد سران حزب توده به مقامات شوروی جهت برجسته کردن مشخصه فراگیر جنبش آذربایجان به‌عنوان بخشی از سیاست کلی دموکراتیزه کردن سراسر ایران به تمایلات شوونیستی آنان تعبیر شد (حسنلی، ۱۳۸۳: ۵۷؛ ناصحی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). بنابراین حزب توده ناچار شد تا تحت فشار شوروی به جلب حمایت ایرانیان از حرکت آذربایجان بپردازد لذا از پیشنهادهای عدالت‌خواهانه و اصلاحی اجتماعی فرقه مانند اصلاحات ارضی، حقوق کارگران و... حمایت کرد و جنبش را همانند انقلاب مشروطه حرکتی آزادی‌خواهانه، دمکراتیک و ضد استعماری معرفی کرد و با عناوین فاشیست و مرتجع به دشمنان فرقه دمکرات حمله برد اما در مورد اهداف قومی و زبانی و نژادی فرقه سکوت اختیار کرد (آبراهامیان، بی‌تا: ۴۷۵- ۴۸۲). ظاهراً این رویکرد حزب بیشتر به مفهومی لیبرالی از هویت ملی نزدیک بود که بر ملت به‌عنوان شهروند آزاد تأکید می‌کرد. نشریات وابسته به این دیدگاه با تأکید بر اینکه آذربایجان از آن ایران است و خواهد بود در پی تثبیت این معنا بودند که فرقه نماینده واقعی مردم ایران است (ایران ما، ۷/۱۱/ ۱۳۲۴، ش۱۲۶). از این نظر غائله آذربایجان مبارزه با استبداد و کسب آزادی برای رفع همه تبعیض‌هایی بود که از جانب دولت مرکزی تداوم داشت (شاهرخ، ۱۳۸۵: ۴۱). شعار برپاییِ نظام دموکراتیکِ

www.SID.ir

Archive of SID

واقعی در سراسر ایران از طرف حزب توده و فرقه دمکرات، چالشی مهم پیش روی گفتمان مدرنیسم پهلوی در مجلس و مطبوعات ایجاد می‌کرد اما توجه فرقه به آذربایجان به‌عنوان یک ملت با زبانی متمایز نقطه اختلاف فرقه دمکرات با تمام گفتمان‌های مرکز بود. فرقه از منظر لنینیستی، حفظ تمامیت ارضی ایران را تنها با شناخته شدنِ «حق تعیین سرنوشت ملی» برای تمام ملت‌های ایرانی، از جمله «ملت آذربایجان» ممکن می‌دانست (مرسلی، ۱۳۸۸: ۳۶۲). اما حیات گفتمان هویتی پهلوی با تأیید هویت‌های قومی سازگار نبود. مفهوم هویت ملی به‌عنوان ایدئولوژی رسمی پهلوی، در یک شخص، یک دولت و یک ایده متمرکز می‌شد و تمام خرده گفتمان‌های هویت ساز به چالش طلبیده می‌شدند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۷۶). بنابراین در این زمینه کار گفتمان ناسیونالیسم رسمی برای تثبیت معناهای دلخواهش چندان دشوار نبود.

زمینه و زمانه نشریه تهران مصور

قبل از بررسی نشانه‌های دیداری کاریکاتورها لازم است تا با شرح زمینه اثر چون هویت صاحب نشریه، هنرمند کاریکاتورها و مخاطبان، بافت اجتماعی کاریکاتورها را بهتر بشناسیم. احمد دهقان مدیر نشریه تهران مصور از خانواده‌های فقیر اصفهان بود که علاوه بر توجه به هنرپیشگی و تئاتر، در نشریه اطلاعات با مسعودی همکاری می‌کرد و با کمک وی به انتشار تهران مصور در مرداد ۱۳۲۱ پرداخت. وی با استفاده از این نشریه در بلوای نان در ۱۷آذر ۲۱ جهت سرنگونی قوام، با دربار همراهی کرد و به محافل سیاسی راه یافت. به تحقیق، مجله وی در سال ۲۴ و ۲۵ به دلیل نزدیکی با رزم آرا، تحت حمایت مادی و معنوی ارتش بود و در هر شماره چند خبر اختصاصی و پشت پرده در اختیار او قرار داده می‌شد. پس از این «تهران مصور» به‌عنوان نشریه‌ای عامه پسند و ضد حزب توده، با اتکا به اخباری که از دربار به‌دست می‌آورد رشد کرد. با انتصاب قوام به نخست وزیری به‌تدریج دهقان به او و حزب دمکرات نزدیک شد و بدین جهت از حمایت قوام در انتخابات دوره پانزدهم برخوردار شد اما با گرایش قوام به جناح چپ، دهقان در مجلس، عَلَم مخالفت با قوام را به دوش گرفت (میرزا صالح، ۱۳۹۱: ۲۳۳ و ۳۰۰). احمد دهقان در مبارزه با حزب توده ایران و بیش از آن با شوروی سرسختی هولناکی داشت و در میان دشمنان شوروی هیچیک فعال‌تر و بی‌پرواتر از

www.SID.ir

Archive of SID

او نبود. بی‌شک این مبارزه مورد حمایت مقامات سفارت آمریکا در ایران نیز قرار داشت. دهقان در رقابت میان رزم آرا و شاه جانب شاه را گرفت و به‌رغم مخالفت رزم‌آرا، در اواخر ۱۳۲۸ در مجله تهران مصور سلسله مقالاتی در افشای دخالت شوروی در امور ایران منتشر ساخت (شمشیری، ۱۳۹۰: ۲۳۸). سرانجام دهقان در خردادماه ۱۳۲۹ یعنی بیست روز قبل از نخست‌وزیری رزم‌آرا در محل کار خود توسط حزب توده ترور شد. مخاطبان مجله تهران مصور طبقات مختلف مردم در تهران بودند و این نشریه با بیش از چهار هزار نسخه سومین نشریه پر تیراژ در سال ۲۴ بود (تفرشی: گنجینه اسناد، پاییز و زمستان ۱۳۷۵: ۳۴). طراح اغلب کاریکاتورهای نشریه، «داوری» کاریکاتوریست بسیاری از نشریات دهه بیست از جمله نشریات میهن دوست و آزادی‌خواه باباشمل و مرد امروز بود. رضا گنجه‌ای و محمد مسعود مدیران این دو نشریه مخالف گرایش‌های تجزیه‌طلبانه و قومی فرقه دمکرات بودند، پس وجه وطن‌پرستی و دشمنی با بیگانه اعم از شرق و غرب در کاریکاتورهای داوری نمود بارزی داشت.

نشانه‌شناسی کاریکاتورهای تهران مصور

کاریکاتورها واقعیات اجتماعی را از طریق طنز، استعاره‌ها و سمبل‌ها با قدرت متقاعد کنندگی بالا می‌سازند پس در فرایند ارتباط و انتقال معنا کاربرد بسیاری دارند. کاریکاتورها مخزنی از معانی جمعی هستند که به اشتراک گذاشته می‌شوند و از آن جهت که بازتاب دیدگاه عمومی علیه وضع موجود، مقاومت علیه تهدیدات اجتماعی و به چالش کشیدن اعتقادات رسمی هستند، در بطن تاریخ جای دارند. کاریکاتورها با ویژگی‌هایی چون اغراق، تضاد و... به حضور مستقیم و زنده عامل تولید گفتمان اشاره دارند و در بافت اجتماعی – فرهنگی شکل می‌گیرند (بابک معین، ۱۳۸۸: ۸). به همین دلیل و نیز به خاطر انعکاس نگرشها، ارزشها، متون فرهنگی و آرمان‌ها ابزار موجه‌ای برای تحلیل گفتمان هستند. نشانه شناسی اجتماعی در کاریکاتورها به کشف این مهم می‌پردازد که وجوه نشانه شناختی مختلف در یک زمینه فرهنگی اجتماعی خاص چگونه ترکیب می‌شوند تا یک محصول یا رویداد نشانه شناختی را بسازند. در تحلیل گفتمان متون چند وجهی چون کاریکاتورها، تحلیل، تولید، توزیع و طراحی منابع نشانه شناختی در یک ساختار اجتماعی خاص مهم‌ترین

www.SID.ir

Archive of SID

دغدغه است. با روش نشانه شناسی اجتماعی کاریکاتورها که ارتباط را در کلیت آن بررسی می‌کنند، درخواهیم یافت که چگونه معانی مشترک خاصی برای یک گروه اجتماعی خاص تولید می‌شود. بررسی وجوه نشانه شناسی بیست و چهار کاریکاتور تهران مصور در بازه زمانی شهریور ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۵ به‌ویژه تحلیل نمادنگاری آنها، مؤلفه‌های گفتمان ناسیونالیسم رسمی و تطور معانی آنها را در چند محور به ما نشان می‌دهد:

۱) غیریت‌سازی فرقه تحت عنوان دیگری فراسرزمینی

ناسیونالیسم رسمی مبتنی بر سرزمین، زبان، دین و تاریخ مشترک با ملیت خواهی بر اساس منافع مشترک، برابری و آزادی شهروندان متفاوت است و بر اساس علاقه به «خودی» و نفرت از «دیگری» پا می‌گیرد و با توجه به خصلت خودمرکز بینی، در دوران سلطه، برتری خود را علنا اعمال می‌کند (صدر، ۷۲:۱۳۷۷). گفتمان‌های ناسیونالیستی پیرامون، اغلب به‌عنوان گفتمان‌های مدافع ملت‌های تحت ستم، از نوعی مشروعیت و مقبولیت عمومی برخوردارند اما چون خود- بنیاد نیستند در تقابل با گفتمان مرکز به گفتمان سیاسی چپ نزدیک می‌شوند تا در جامعه زبان پیدا کنند (مرسلی، ۱۳۸۸: ۳۲) بنابراین تهران مصور تلاش می‌کند تا با بازسازی رمزگان فرامتن‌های گذشته و نیز بکارگیری درست نمادها، مرز خود/دیگری را تعیین کند و به طرد جناح چپ بپردازد (شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). همزمان با کابینه صدر و پیش از اعلام موجودیت فرقه دمکرات در دوازدهم شهریورماه ۱۳۲۴، ماجرای لیقوان و کشته شدن حاجی احتشام توسط حزب توده در مرداد ۲۴ رخ داد که به تلقی مجلس، توطئه حزب توده برای آتش افروزی در آذربایجان بود (مذاکرات مجلس، ۲۴/۶/۷، جلسه ۱۳۴). همچنین نیروهای شوروی از ورود سرلشکر جهانبانی نماینده دولت مرکزی به منطقه جلوگیری کردند. تهران مصور با توجه به تکاپوهای سران حزب توده در مناطق شمالی و اخبار پنهانی که از طریق ارتش دریافت می‌داشت، طی کاریکاتوری به بازنمایی بلوایی قریب‌الوقوع تحت عنوان قیام ملی پرداخت که با کمک افرادی در شهربانی و ارتش در حال انجام بود (شکل۲- تهران مصور،۲۴/۶/۲، ش۱۲۰). در نمادنگاری، مار نماد دشمن خانگی و در اینجا حزب توده است که در تصویر، بُرداری را میان خودی و بیگانه ایجاد کرده است.تقابل با یک دشمن مرکزی ـ دیگری بزرگ ـ از مؤلفه‌های بنیادین

www.SID.ir

Archive of SID

شکل‌گیری هویت جمعیِ حاملان و طرف‌داران هر گفتمان سیاسی است و در اینجا «دیگری بزرگِ» گفتمان ناسیونالیسم رسمی یعنی شوروی با نماد دیو یا خرس در بالای صخره نماد قدرت است. آنچه در نمادنگاری کاریکاتورها اهمیت دارد مجاورت نمادهای شوروری با نماد مهاجرین آذری است که با لباس خاصی شامل کلاه کپیه، اونیفورم روسی، چکمه، سلاح و ظاهری خشن و قصاب مآبانه مشخص می‌شوند. این زمان که هنوز فرقه دمکرات تاسیس نشده بود، خروج مهاجرین آذری از غار سیاه که خارج از حوزه «خودی» و در حوزه شوروی قرار دارد آن هم در سمت راست تصویر به تثبیت این معنا می‌پردازد که جنبش آذربایجان یکسره ماهیتی خارجی دارد. این حافظه تاریخی ایرانیان را در مورد مطامع ارضی روسیه یادآور می‌شود. دادن نقش فعال و کنشگر از طریق بُردارهای کنشی تصویر (مار، سلاح، دست‌ها و...) به «دیگری» و اختصاص نقش هدفی منفعل، غافل و خواب به دولت و مجلس که کاملاً در تضاد با فضای مخاطره‌آمیز تصویر ترسیم شده‌اند، رابطه ناعادلانه قدرت را ایجاد و دولت مرکزی را در جایگاه تحت ظلم قرار می‌دهد. یکی از مشخصه‌های کاریکاتورهای تهران مصور تا پیش از نخست وزیری قوام، ترسیم «دیگری» به‌عنوان عامل کنش و خودی به‌عنوان هدف کنش است (شکل‌های شماره ۶ و ۸ و ۱۸ و ۲۰). این گونه بحث ستم ملی در گفتمان فرقه لوث می‌گردد. زاویه دید مورب و نمای دور مشارکین، منجر به غیر تعاملی نمودن کنش و در نتیجه غیرسازی بیشتر کنشگران می‌شود (Jewitt & Oyama, 2001:143). این امر به همراه نماد غار سیاه و پر ابهام در پشت سر، راه‌های صعب‌العبور کوهستانی در پیش‌رو، آسمان و پرندگان سیاه در تضاد با ابرهای سفید، آینده‌ی شوم و وضعیت مخاطره‌آمیز ایران اشغالی را در آستانه جنگ سرد منعکس می‌کند. عبارت سؤالی زیر تصویر «راهزنی به این کاروان وامانده دور از جوانمردی نیست؟» بیان عجز، یأس و طلب خیر توسط «خودی» و ملامت و سرزنش «دیگری بزرگ» را انتقال می‌دهد. در اغلب کاریکاتورها فرقه دمکرات با نماد مهاجرین آذری ترسیم می‌گردد و ارتباط آن با نمادهای شوروی حفظ می‌شود. به این ترتیب حضور «غیر داخلی» یا غیر سرزمینی انکار و غیریت‌سازی تحت عنوان «دیگری فراسرزمینی» انجام می‌شود. این چنین، عامل اختلاف بیشتر رنگ سیاسی می‌گیرد تا هویتی (حسن زاده، ۱۳۸۶: ۱۳). این مهم‌ترین دال در کاریکاتورهاست که با حذف آن از ساختار کاریکاتور پیرنگ روایی آن از هم می‌گسلد. جالب

www.SID.ir

Archive of SID

آنست که رهبران فرقه هرگز وابستگی خود را به شوروی انکار نکردند و از آن به‌عنوان کمک یک قدرت خارجی به مبارزه مردم کشوری دیگر علیه ظلم و استبداد تعبیر می‌کردند (دبیری، ۱۳۸۶: ۲۷۹).

۲) دموکراسی و قانون اساسی چالش بزرگ ناسیونالیسم رسمی

فرقه دمکرات هماهنگ با تبلیغات حزب توده کسبِ آزادی و ایجاد اصول نظام دموکراسی واقعی در سراسر ایران را به‌عنوانِ هدف نهایی خود اعلام کرد و «حق تعیین سرنوشت ملی» برای ملت آذربایجان را با استناد به اصل انجمن‌های ایالتی و ولایتیِ قانون اساسی مشروطه درخواست نمود (بند ۴ و ۵ و ۷ و ۱۴ قطعنامه‌ی پایانی کنگره‌ی خلق آذربایجان). بدین ترتیب مجلس و قانون اساسی به‌عنوان مؤلفه‌های ایجابی هویت ملی به میان کشیده شد. به‌نظر می‌رسد که اگر دو اصل خودمختاری و ترویج زبان ترکی از اصول مرام‌نامه فرقه حذف می‌شد تمامی مردم ایران با آن همراه می‌شدند. چنانکه نشریاتی چون ایران ما، نبرد، فرمان، جبهه و... قیام آذربایجان را نهضتی ملی و میهن‌پرستانه جهت تحقق دموکراسی دانستند (علیزاده، بی‌تا: ۳۷ ؛ یکانی زارع، ۱۳۸۲: ۵۸ و۱۱۲). این تأکید بر حقوق شهروندی ملت‌های ایرانی به دلیل نزدیکی گفتمان فرقه به گفتمان چپ، با شکاف طبقاتی و مرزبندی میان جناح چپ و جناح راست به‌عنوان زبان پیرامون– مرکز همراه بود (مرسلی، ۱۳۸۸: ۴۹). اما گفتمان ناسیونالیسم رسمی با کمک گرفتن از نمادنگاری دوران قبل، حق بهره‌برداری از اصول نظام دموکراسی و حقوق شهروندی را منوط به‌ادای وظیفه وطن‌پرستی و عدم تمسک به نیروی بیگانه نمود. تشدید حکومت نظامی توسط دولت صدر و زخمی شدن دکتر کشاورز در جریان اشغال دفتر حزب، این اختلاف را به مجلس برد و دکتر کشاورز طی نطقی در مجلس به کارگزاران ناسیونالیسم رسمی حمله برد و عدم رعایت مصونیت نمایندگان مجلس و توقیف جراید و احزاب را نشانه اخلال در اصول مشروطیت، آزادی و دمکراسی اعلام کرد.از نظر وی اقدام خودسرانه‌ی حکومت نظامی مشابه عملیات سردار سپه به هنگام برقراری دیکتاتوری و دخالت قوه مجریه در امور مجلس بود (مذاکرات مجلس، ۲۴/۷/۳، جلسه ۱۴۲). وزیر جنگ در مجلس علت زخمی شدن کشاورز را پرتاب سنگ توسط هم حزبی‌های وی اعلام کرد و تهران مصور نیز طی کاریکاتوری کشاورز را در

www.SID.ir

Archive of SID

نمای نزدیک و با نگاه مستقیم در مرکز تصویر ترسیم کرد تا فریاد آزادی‌خواهی و حق طلبی او را برجسته سازد (شکل۳- تهران مصور،۲۴/۶/۳۰، ش۱۲۳). در تصاویر دارای خط نگاه امکان ایجاد ارتباط احساسی و همدلی با مشارکین ایجاد می‌گردد (Kress &Van Leeuwen, 2006: 142). اما در اینجا دست‌های کشاورز مانند برداری مخاطب را به پس زمینه هدایت می‌کند تا تقابل عبودیت توده‌ای در برابر بیگانه (نماد چکمه) و خشونت نمادین او را با دموکراسی و آزادی نشان دهد و وی را غیرسازی کند. در پس زمینه از نوعی کمیک استریپ برای نشان دادن کارنامه حزب و فرقه در خیانت، غارت، ایجاد آشوب و... استفاده شده است. کشاورز به‌عنوان برآیند این عملیات خائنانه مدعی آزادی و اصول دموکراسی است بنابراین این معنا تثبیت می‌گردد که اصول مشروطیت و دموکراسی در شرایط تهدید استقلال و امنیت کشور واهی و حتی مضر است. تهران مصور در کاریکاتور دیگری فراکسیون توده‌ای مجلس و لنکرانی را ترسیم کرد که برای منتفی شدن «انتخابات به زور سر نیزه خارجی» و در واقع مرگ سیاسی خویش سوگواری می‌کنند و طباطبایی، رییس مجلس و عضو فراکسیون اتحاد ملی با قیافه‌ای محزون ناظر این صحنه است (شکل ۴- تهران مصور، ۲۴/۷/۲۷، ش۱۲۷). پس از صدرالاشراف، مجلس به نخست وزیری ابراهیم حکیمی‌که مورد تأیید دربار بود، رأی داد. در همین زمان اکثریت مجلس به بهانه دخالت قشون اجنبی در امور انتخابات، ماده واحده به تعویق انداختن انتخابات مجلس پانزدهم یکماه پس از تخلیه کامل ایران را مطرح نمود. دکتر کشاورز در مخالفت استدلال کرد که این طرح، قانونیت و مشروعیت مجلس ۱۴ را نیز که در زمان اشغال افتتاح شد، زیر سؤال می‌برد و شیخ حسین لنکرانی انتخابات درست را منوط به ایجاد حکومتی صالح، خارج کردن اختیار ارتش از دست شاه نمود. وی به درستی اظهار نمود که این طرح امید آذربایجان را از مجلس و راه‌های مسالمت‌آمیز قانونی قطع و تنها راه خشونت‌آمیز و برادر کشی را پیش پای ما خواهد گذاشت (مذاکرات مجلس، جلسات ۱۴۸-۱۵۰). به واقع فرقه با به تعویق افتادن انتخابات، شعار «فرمان انتخابات را مردم آذربایجان خود صادر خواهند کرد» را مطرح کرد. جناح چپ تا به آخر با این تصمیم به نام نقض قانون اساسی مخالفت کرد اما هر گونه مخالفت با این طرح، به موافقت با ماندن قشون اجنبی و خیانت تعبیر می‌شد بنابراین ماده واحده‌ی تعویق انتخابات به نام اراده ملت و حفظ مصالح مملکت، در نتیجه توافق وکلای

www.SID.ir

Archive of SID

ناسیونالیست با اکثریت مجلس تصویب شد. این کاریکاتور معنای«تعطیل اصول مشروطیت مساوی با حفظ استقلال ایران است» را تثبیت می‌کرد. استفاده از نمادهای سنتی و حضور طباطبایی که در کاریکاتورهای این دوره به عنوان نماد محافظه کاری و فساد مجلس جا افتاده است، حزب توده و شعارهای دمکراتیک آنان را تا حد جناح راست محافظه کار تنزل و طرح مزبور را اقدامی ملی‌گرایانه نشان می‌داد چرا که طرح تحریم انتخابات راه دخالت آسان رجال کهنه کار مجلس ۱۴ را نیز برای رسیدن به وکالت دوره ۱۵ می‌بست و سوگواری پنهانی این گروه از آن جهت بود که با علم به این موضوع ناچار طرح مزبور را تصویب کرده بودند.

در ۱۰ مهر ۲۴ به دنبال برگزاری اولین کنگره مؤسسان فرقه، حکیمی اقدام به اعزام نیرو به آذربایجان کرد که با ممانعت ارتش سرخ در قزوین متوقف شد. قطعنامه پایانی کنگره بزرگ خلق آذربایجان که خودمختاری ملی را به‌عنوان یکی از خواست‌های مهم خود مطرح کرده بود در ۲۶ آبان برای مقامات مرکز و شاه ارسال شد و در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ دولت ملی و مجلس ملی آذربایجان در حضور کنسول شوروی رسماً در تبریز اعلام موجودیت کرد (عظیمی: ۱۸۰) اکثریت مجلس اعلام کردند که پیشه وری علیه قانون اساسی قیام کرده است و به حمایت از ارتش پرداختند اما نمایندگانی چون دکتر مصدق، فرمانفرمائیان، شیخ لنکرانی، مظفرزاده و... به دفاع از فرقه دموکرات در برابر ارتش و به رسمیت شناختن اعمال آنان پرداختند (مذاکرات مجلس، ۲۴/۸/۲۹، جلسه ۱۶۲) و ضمن اعتراض به قانون تحریم انتخابات و مقایسه سوابق پیشه‌وری علیه قرارداد ۱۹۱۹ با سوابق ننگین سید ضیاء تأکید کردند که پیشه‌وری اهداف تجزیه‌طلبانه ندارد و تنها در دفاع از حقوق ملت ایران قد علم کرده است (مذاکرات مجلس،۲۴/۱۰/۹، جلسه ۱۷۶). مذاکرات بیات، استاندار آذربایجان با پیشه‌وری بر سر مختاریت ملی در تبریز (آذر ۱۳۲۴) نشانگر این بود که هر دو شیوه مشابهی را در انتخاب شعارهای ناسیونالیستی و تمسک به قانون اساسی پیش گرفته‌اند (ملازاده، ۱۳۷۶: ۳۴). حزب توده معتقد بود حکیمی تحت تأثیر انگلستان و تشبثات دستگاه میلیتاریزم ایران که به دنبال تجدید حیات دیکتاتوری نظامی رضاخانی بود نقشه اعزام نیرو به آذربایجان و شکایت به مجامع بین‌المللی را انجام داده است و حفظ قانون اساسی دستمایه این کار است (شکل۵- مردم،۲۴/۱۰/۱۷، ش۱۲). تهران مصور با کاریکاتوری تردید ملت یا

www.SID.ir

Archive of SID

مجلس را در مورد جنبش آذربایجان در قالب جوانی خام در جانب چپ و در قالب اطلاعات نو آورده است (شکل۶- تهران مصور،۲۴/۱۰/۱۴، ش۱۳۷). در معنای درست، هویت ملی باید موجب همبستگی افراد خودآگاه، آزاد و برابر در مقابل قانون گردد (صدر: ۸۴)، اما در این تصویر، قانون اساسی به عنوان عامل ایجابی هویت ملی یک کشور از جانب هر دو طرف راهنمای ملت اندیشناک جهت تشخیص «دیگری» و به‌عنوان معیاری تمایزبخش معرفی می‌گردد. لذا کاریکاتوریست با بهره‌گیری از ترفندهای تصویری و با شدت بیشتری به غیریت‌سازی فرقه می‌پردازد و از انواع تقابل‌ها برای تثبیت معنای تزویر و دورویی و واژگونگی حقیقت استفاده می‌کند. تضاد خیر و شر، لباس سیاه و سفید، تضاد نور و رنگ در پس زمینه و پیش زمینه و تقابل شاخه زیتون و تابلوی دموکراسی در برابر جنازه خونین و انواع سلاح و نیز انتخاب لنکرانی به‌عنوان یک روحانی اما چپ‌گرا با عینکی سیاه که نگاه او را پنهان می‌سازد، همه از توطئه و تزویر فرقه دمکرات حکایت دارد. نمادهایی دال بر بی‌اعتمادی، فریب، پنهانکاری و توطئه در کاریکاتورها برای القاء مفهوم دموکراسی بد باطن بکار می‌رود تا هم پاسخی باشد بر اتهاماتی چون مرتجع، فاشیست و دیکتاتور که فرقه به مخالفان نسبت می‌داد و هم خشونت نمادین فرقه را دستاویز سرکوب قرار دهد. سه راهکار بازنمایی بصری افراد به عنوان «دیگری» یعنی راهکار فاصله‌گذار، بازنمایی افراد به‌عنوان «بیگانه»؛ راهکار قدرت‌زدایی، بازنمایی افراد به‌صورت افراد «تحت سلطه و انقیاد» و راهکار ابژه سازی در کاریکاتور دیگری برای آشکار کردن چهره دیکتاتور منش و وابسته جبهه احزاب موتلف با نمادهای اللهیار صالح (حزب ایران با کلاهی به نشانه مرام التقاطی)، کشاورز (حزب توده) و پیشه‌وری به کار گرفته شده است (شکل ۷- تهران مصور، ۲۵/۴/۲۸، ش۱۶۲) شعارهای این سه تشکل بیانگر دیدگاه متفاوت ناسیونالیست‌های انقلابی از اعتلای ایران بود و تکرار کلمه ایران و واژه «به‌دست ایرانی» اهداف ناسیونالیستی را به‌رخ می‌کشاند. در حالی که در این زمان نیروهای شوروی ایران را تخلیه نموده‌اند کاریکاتوریست با ترسیم دستی بزرگ به نشانه دست بیگانه، رابطه قدرت را ایجاد و سران احزاب موتلف را به‌صورت افراد تحت انقیاد نشان می‌دهد. در میان انواع تصاویر روایی، این نوع تصاویر که با هدف شناخته نشدن عامل کنش تنها بخشی از بدن وی را ترسیم می‌کنند، تحت عنوان تصاویر ناگذرا در تحلیل انتقادی متون دیداری اهمیت بسیار دارند (Kress &Van

www.SID.ir

Archive of SID

Leeuwen, 2006: 105). در عین حال رهبران سه حزب به مثابه عروسکان خیمه شب بازی شوروی ابژه سازی و در تقابل با نقشه ایران به‌عنوان بیگانه بازنمایی می‌شوند. این شیوه غیریت‌سازی در کاریکاتورهایی از قوام زمانی که به جناح چپ نزدیک شده بود، تکرار شده است (شکل۸- تهران مصور، ۲۵/۷/۱۹،ش۱۷۳).

۳) مجلس نماد ضعف و چند دستگی

نمادنگاری نشریات دوران مشروطه تا قدرت گیری پهلوی چون «کشکول» و «ناهید» نشان می‌دهد که به اقتضای سیر حوادث سیاسی، اهداف مشروطه به ایجاد وحدت ملی جهت حفظ سرزمین ایران در برابر بیگانه خلاصه شد و ناسیونالیسم دولتی به‌عنوان ایدئولوژی محوری مشروطه‌خواهان تلقی گشت. نمونه‌ای از این تصاویر، ایران را در حال حمام کردن در آب‌های مشروطه نشان می‌دهد که اروپاییان دزد با استفاده از ناآگاهی وی لباس‌اش را که در اینجا آذربایجان و بوشهر هستند، به یغما می‌برند (شکل۱۰- Brummett, Palmira, 2000: 108). ناکامی مشروطه در حفاظت از کشور در برابر اهداف تجاوزکارانه امپریالیستی که قرارداد ۱۹۰۷ نمود بازر آن بود موجب گشت تا درونمایه‌ی ایده‌آل‌های دمکراتیک به ایجاد انسجام و توان ملی برای بازپس‌گیری مرزهای طبیعی ایران محدود گردد. زمانی که ایران به طرح دعوی علیه شوروی در سازمان ملل پرداخت، انگلستان به دلیل ترس از بازتاب بین‌المللی امتیاز نفت جنوب، در کنفرانس مسکو طرح تشکیل کمیسیون سه جانبه‌ای از سه قدرت برای حل بحران آذربایجان را پیشنهاد نمود. این طرح برخی از خواسته‌های مهم فرقه دمکرات را مورد توجه قرار داده بود (بولارد، ۱۳۶۳: ۱۲۵). با توجه به پیشینه تاریخی کشور این قضیه می‌توانست ایرانیان را نسبت به جدا کردن خوزستان از ایران توسط انگلستان در ازاء تثبیت موقعیت شورویها در آذربایجان بدگمان سازد (طلوعی، ۱۳۶۹: ۵۵). اما اکثریت انگلوفیل مجلس و حکیمی به‌دلیل موافقت با طرح بوین وزیر خارجه انگلستان در ۱۵دی ۱۳۲۴ مورد مواخذه ملی‌گرایانی چون مصدق قرار گرفتند و در نهایت وکلا از تصویب طرح مزبور سرباز زدند (مذاکرات مجلس، ۱۹ /۱۰ ۲۴ و ۲۴/۱۰/۲۵، جلسه ۱۷۸ و ۱۸۱). تهران مصور به‌عنوان یکی از مدافعان توازن سیاسی پیش از این مساعی سهیلی را در برقراری و داد و توازن بین ایران و همسایه شمالی و جنوبی

www.SID.ir

Archive of SID

ستوده بود (شکل ۹–تهران مصور،۲۲/۹/۱۸، ش۳۷) و برخلاف سایر نشریات، سیاست نفتی ساعد در برابر شوروی را به‌عنوان سیاست یک طرفی مورد انتقاد قرار داده بود (شکل۱۱– تهران مصور، ۲۳/۷/۲۸، ش۷۸) اما اکنون باید به‌عنوان حامی حکیمی پاسخی برای چالش‌های مطرح شده توسط مخالفان در مجلس و مطبوعات می‌یافت چرا که آنان طرح مزبور را خیانتی دیکته شده توسط بریتانیا می‌دانستند که تنها رجال انگلوفیلی چون وثوق الدوله و حکیمی قادر به انجام آن هستند (شکل ۱۲– مردم، ۲۴/۱۰/۱۹، ش۱۴). تهران مصور در کاریکاتوری مصدق را در حالی نشان داد که با تبر سیاست موازنه منفی به جان درخت کهنسال و ریشه‌دار استقلال کشور افتاده است (شکل۱۳– تهران مصور، ۲۴/۷/۶، ش۱۲۴) این حمله‌ای مستقیم بود به دکتر مصدق که در مجلس، کمسیون سه جانبه را منشاء نابودی استقلال ایران معرفی کرده بود و بدین ترتیب این معنا تثبیت می‌شد که نه اقدام حکیمی بلکه ضربه مصدق بود که موجب بلند شدن کلاغ‌ها (قدرت‌های بزرگ) و فرا رسیدن اخبار شوم گشته است. ساختار طبقه‌بندی شده کلاغ‌ها به‌رغم تفاوت در کلاه و پرچم و جایگاهشان، این معنا را القا می‌کند که شرق و غرب در نظر کاریکاتوریست به‌طور یکسان «غیر» تلقی می‌شوند. با توجه به مسیر نگاه نمادهای بیگانه که به‌عنوان بُردار عمل می‌کند و فرایند واکنش را شکل می‌دهد، تصویر وحشت سه قدرت به‌ویژه انگلستان از سیاست موازنه منفی روایت می‌گردد. بنابراین طرح کمیسیون سه جانبه واکنشی است به سیاست موازنه منفی مصدق، که راه مسالمت‌آمیز دو قدرت دیگر را برای ایجاد توازن سیاسی از طریق کسب امتیاز نفت بست و تکاپوهای استعماری و بحران آذربایجان را دامن زد. بنابراین معنای صریح کاریکاتور این بود که استقلال ایران در گرو حضور و رضایت سه قدرت در ایران است. در اینجا تهران مصور همسو با حزب توده طرح دکتر مصدق در تحریم واگذاری امتیاز را موجب تیرگی روابط ایران و شوروی و بروز غائله آذربایجان معرفی و اقلیت مجلس را به‌عنوان نماد چند دستگی و تضعیف کننده وحدت ملی و مانعی به‌عنوان حل بحران بازنمایی می‌کند. این همان چیزی بود که حکیمی در دفاع از خود در مجلس گفت (مذاکرات مجلس، ۲۴/۱۰/۲۵، جلسه ۱۸۱). منطق درونی گفتمان ناسیونالیسم افراطی با توجه به مفاهیم اصلی و هاله‌های معنایی آنها موجب جهت‌گیری متناقض و مبهمی گشته بود. از یکسو شوروی به‌عنوان غیر اصلی و بزرگ غیریت‌سازی می‌شد و از سویی دیگر از

www.SID.ir

Archive of SID

کمیسیون سه جانبه به‌عنوان طرح مورد توافق سه قدرت از جمله شوروی جانبداری می‌شد. طی کاریکاتور دیگری، اقلیت در ساقط کردن کابینه حکیمی از طریق ابژه سازی به‌عنوان بازیچه دست شوروی غیریت سازی می‌شوند (شکل۱۴– تهران مصور، ۲۴/۱۰/۲۸، ش۱۳۹). روابط قدرت و ساختار غیرتعاملی تصویر که از طریق تضاد در سایز کنشگران، ترسیم دست استعمار به‌عنوان عامل اصلی کنش، زاویه مورب و جهت متفاوت نگاه و صورت کنشگران ایجاد شده است به‌غیرسازی کمک می‌کند. انگار اقلیت مجلس آگاهانه و برای جلب رضایت شوروی زیر پای حکیمی را که نماد ایران است و تنها دغدغه‌اش جلوگیری از سقوط کشور به ورطه نیستی است، خالی می‌کنند. منافع طبقاتی مستور در پشت این گفتمان حفظ حکیمی و جلوگیری از روی کار آمدن قوام بود چون با توجه به سوابق همکاری قوام با نیروهای چپ به‌طور قطع جریان امور از دست شاه و جناح راست خارج می‌شد. این حوادث در نهایت منجر به استعفای حکیمی در اول بهمن‌ماه ۱۳۲۴ از نخست وزیری شد. بنا به دستور حکیمی، تقی‌زاده رئیس هیئت نمایندگی ایران در شورای امنیت قبل از نخست وزیری توسط قوام (۶ بهمن) به دفاع از حقانیت ایران پرداخت (مذاکرات مجلس، ۲۴/۱۱/۱، جلسه ۱۸۳). در این زمان دکتر مصدق در مجلس از دولت خواست تا ابتدا مشکل را از طریق مذاکره مستقیم با شوروی حل کند و در صورت یأس، مسأله را به سازمان ملل ارجاع دهد. به این مناسبت تهران مصور در تصویری حکیمی را به‌عنوان سمبل سیاستمداری کارکشته، پیر، واقع بین و متعهد به قانون اساسی در برابر مجلس با نماد کودکی فاقد قوه تمیز و سرگردان به نمایش درآورد که در شرایط تاریک و بحرانی کشور و به زور اطلاعات ناچیزی که از اهداف بیگانگان و وضع جهان دارد، دنبال کلید حل مشکلات کشور است (شکل۱۷– تهران مصور، ۲۴/۱۱/۵، ش۱۴۰). خوانش تصویر از راست به چپ و نمایانگر این است که اکنون مجلس با پشت کردن به حکیمی ناگزیر از انتخاب کاندیدی دیگر برای نخست وزیری است. این انتخاب منجر به گزینش دو راه‌حل مختلف برای حل بحران خواهد شد. یکی گزینه قوام است که توسط دست استعمار از سمت شمال به زور تحمیل می‌شود و ناچار دنباله روی از سیاست‌های دلخواه شوروی را در پی دارد که موجب نگرانی ملت یا مادر وطن از آینده کشور خواهد شد و گزینه دیگر انتخاب فردی متمایل به انگلستان است که انتخاب وی ابتکار عمل را در حل بحران از ایران نخواهد گرفت. هر چند خط نگاه

www.SID.ir

Archive of SID

نماد مجلس تمایل به گزینه دوم را القاء می‌کند اما مثل این است که گزینش هر یک از کلیدها توسط مجلس تفاوتی برای ایران ندارد چون هر دو راه‌حل در واکنش به منافع و سیاست جناح مقابل ارائه می‌شود و مجلس برای حل بحران چاره‌ای جزء بازگشت به عقب و یاری گرفتن از حکیمی ندارد. این تأکید بر ضعف و ساده دلی مجلس در کاریکاتور دیگری عیان‌تر است. در این تصویر قوام در هیبت گربه چکمه پوش، شخصیت افسانه‌ای و نجات بخش داستان‌های شاه پریان «شارل پرو» فرانسوی ظاهر شده است. در واقع قوام با نماد گربه مُزور و کاردان در تقابل با جناح محافظه کار، منغعل و بزدل مجلس با نماد موش قرار دارد و در نهایت به بهانه خیال واهی و کودکانه‌ی نجات آذربایجان و با کرنش در برابر مجلسیان آنها را فریفته و طمعه خود خواهد ساخت (شکل۱۵- تهران مصور، ۲۴/۱۱/۱۹، ش۱۴۲).

۴) شاه نماد هویت و وحدت ملی

در گفتمانِ فرقه، ایران کشوری است کثیرالمله. متشکل از ملت‌هایی که هر کدام تاریخ، فرهنگ و زبان خاصِ خود را دارند، هر چند این ملت‌ها اشتراکاتی دارند که هم‌زیستی آن‌ها را در کنار هم، به‌عنوان ملت‌های برابر و دارای حقِ تعیین سرنوشت، امکان‌پذیر می‌کند. مفهوم «ملت» یکی از مرکزی‌ترین مفاهیم گفتمان فرقه است. تعریف کلاسیک استالین از ملت ـ مردمانی با زبان، فرهنگ، سرزمین و اقتصاد مشترک ـ همان تعریف ملت از نظر فرقه می‌باشد (مرسلی: ۳۷۴). اما گفتمان ناسیونالیسم رسمی از میان جنبه‌های ایجابی هویت ملی اعم از دولت، حقوق و انیستیتوسیون‌ها و اقتصاد مشترک و... بیش از هر چیز بر سرزمین و سپس تاریخ تمرکز می‌کند و در مورد جنبه‌های سلبی هویت مانند زبان، قومیت و... سکوت می‌نماید (صدر، ۱۳۷۷: ۶۵-۷۲). بر سرزمین از آن جهت تأکید می‌شد که یک اجتماع ملی ایرانی باید قابل تصور باشد، لذا بر تصاویر و زبانی که به سرزمین، اشتراک مکانی و فضای ایران استناد داشت، تکیه می‌شد. نمادهای طبیعت‌گرایانه و ملموسی چون درخت، سرزمین، نقشه‌ها و متون تاریخی چون این امکان را فراهم می‌کردند، همواره نقش مهمی را برای رویارویی با چالش‌های سیاسی از طریق تلقین هویت ملی، حس شهروندی و میهن‌پرستی در میان جمعیت قومی متنوع ایرانی ایفا می‌کردند (Yaghoubian, 2014: 32

www.SID.ir

Archive of SID

و کاشانی ثابت، ۱۳۸۹: ۲۰۷- ۲۱۴). این نمادها در کاریکاتورهایی که بحران آذربایجان را از منظر ناسیونالیسم رسمی بازنمایی می‌کردند، به وفور وجود دارد. نماد نقشه ایران جزء لایتجزای اغلب کاریکاتورهای تهران مصور بود چرا که چشم انداز هراسناک تجزیه را ترسیم و ارتباطی بین ناسیونالیسم، جغرافیا و مرز ایجاد می‌کرد (شکل‌های ۷ و ۸ و ۲۹ و...) همچنین تهران مصور به تأسی از نمادنگاری دوران انقلاب مشروطه از استعارات طبیعی همانند درخت به‌دلیل ریشه داشتن در خاک و وابستگی مادی مردم به زاد و بوم استفاده می‌کرد تا وطن‌پرستی را به‌عنوان قانونی طبیعی در چشم‌انداز سیاسی مدرن جلوه دهد (شکل۱۶-آیینه غیب‌نما، ۹رمضان ۱۳۲۵ق؛ شکل‌های ۱۸ و ۱۳- تهران مصور) ارتش نیز در گفتمان ناسیونالیسم رسمی از مؤلفه‌های هویت ملی و نماد غیرت ملی است که کاملاً در پیوند با سرزمین و شاه قرار دارد اما نه ارتش ضعیف و فاقد عمل پس از شهریور بیست لذا کاریکاتور تهران مصور از نماد شیری دست و پا بسته که شمشیر انداخته برای ارتش استفاده می‌کند تا با بهره‌گیری از وجه مردانگی این نماد ملی که بر سردر مجلس هم خودنمایی می‌کرد و نماد سلطنت نیز بود، همدلی و غیرت مخاطب را به جوش آورد و نشان دهد که ارتش آماده عمل است و تنها دیپلماسی قوام و مذاکرات با فرقه مانع تحقق وحدت ملی است (شکل۱۸- تهران مصور، ۲۵/۳/۱۷، ش ۱۵۶). در ۲۱ آذر همزمان با تسلیم ارتش آذربایجان به فرماندهی درخشانی و تصرف تبریز توسط فرقه دمکرات، تهران مصور در کاریکاتوری همان طرح تکراری ملل خواب در کاریکاتورهای انقلاب مشروطه را با نمادنگاری کاملاً مشابه پرده‌ها و کاریکاتورهایی که توسط مداحان و مبلغان سردار سپه در راستای شعار «خدا، شاه، وطن» در سطحی وسیع در معرض نمایش عموم درآمده بود، تلفیق کرد (شکل۲۱- بررسی‌های تاریخی، اسفند ۱۳۵۵، ش ۶۷: ۳۴۳). در این تصویر مادر وطن در قالب نقشه ایران و با نمادهای جنسیتی بارز، آسیب‌پذیری ملی را بازنمایی می‌کند. این زنانه‌سازی آسیب‌پذیری ملی با توجه به گفتمان جنسیتی، وجود یک ناجی، سرپرست و تکیه‌گاه مردانه چون رضاشاه را ایجاب می‌کرد (شکل۲۰-تهران مصور،۲۴/۹/۲۳، ش۱۳۵). در کاریکاتورهای پس از شهریور بیست روند زنانه‌سازی آسیب‌پذیری ملی با ماهیتی جنسی و احساساتی‌تر از دوره‌ی مشروطه دنبال می‌شود و در هر دو پروسه‌ی فساد فرهنگی و سلطه سیاسی امپریالیسم، اصل سرپرستی مردان در برابر چالش خائنین داخلی و امپریالیست

www.SID.ir

Archive of SID

خارجی تأیید می‌شود (Michael Amin, 2001: 335- 361) این زنانه‌سازی آسیب‌پذیری ملی یکی از مفاهیم بنیادی گفتمان ناسیونالیسم بود چرا که هم غیرت نسبت به عصمت زنان آذربایجان و هم غیرت به ناموس ملی را با تحریک مالکیت مردان در حفاظت از این دو حوزه بر می‌انگیخت (Najmabadi, 2005: 2) هنگام حمله ارتش به آذربایجان، تهران مصور از این وجه جنسیتی به همراه ترسیم خشونت نمادین فرقه به خوبی بهره برد تا سرکوب نظامی مردم آذربایجان را توجیه نماید (شکل۱۹– تهران مصور، ۲۵/۹/۱۵،ش۱۸۰). در تصویر شماره ۲۰ تهران مصور، مردی با نماد کلاه سنتی و بدون چهره که پشت به مادر میهن در خواب غفلت است نماد ایرانیان و به‌خصوص آذربایجانیان منفعل، ضعیف و غافل است که از دایره علایق میهنی خارج شده و از قافله تجدد دوران رضاشاهی به دور مانده‌اند. لازم به ذکر است که بهره‌مندی از حقوق شهروندی مستلزم به‌جا آوردن حق مادر وطن و حفاظت از اوست. در تضاد با ملت خواب روح نامدارانی چون نادرشاه، شاه عباس و امیرکبیر قرار دارند. این شاهان که همزمان با شروع مطامع ارضی روس‌ها از مرزهای شمالی ایران دفاع نمودند، جای شاهان اسطوره‌ای را به‌عنوان عامل وحدت بخش در پرده‌های دوره رضاشاهی گرفته‌اند تا تاریخ مشترک ایران و آذربایجان را یادآور شوند. جالب آنست که فرقه در مورد مؤلفه‌ی تاریخیِ ملت آذربایجان، بیش‌تر به تاریخ معاصر و شخصیت‌های پرافتخار انقلاب مشروطیت، بزرگانی چون ستارخان، خیابانی و... اشاره می‌کرد و علاقه‌ای به تاریخ اسطوره‌ای به‌عنوان تاریخ پارسیان نشان نمی‌داد (مرسلی: ۳۱). عمیدی نوری در نشریه «داد» در مسافرت به آذربایجان به دستور قوام، از وجود مجسمه‌های قهرمانان تاریخی مثل نادرشاه و شاه عباس در چهارراه‌های تبریز می‌نویسد (عمیدی نوری، ۱۳۲۵: ۷). نادرشاه در این تصویر قصد عزیمت از گذشته به زمان حال را نموده تا منجی مادر وطن گردد. با توجه به این که ستایشگران رضاشاه غالباً او را با نادرشاه مقایسه می‌کردند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۴۴۹)، نماد وی دال غایب دیکتاتوری رضاشاه را حاضر سازی می‌کند. نمادهایی چون گردش دوار زمین، انوار خورشید نظاره‌گر و قالی یادآور قالی سلیمان، حرکت زمان را القاء می‌کند و خطر تجزیه (در اینجا جدا شدن سر یا همان آذربایجان) را دغدغه همیشگی ایران نشان می‌دهد. بنابراین در گفتمان ناسیونالیسم رسمی بدون نهاد سلطنت، وحدت ملی و تمامیت ارضی به خطر خواهد افتاد. کاریکاتورهای تهران مصور همواره به پیروی از

www.SID.ir

Archive of SID

نمادنگاری دوران رضاشاهی، شاه را در برابر مجلس و دولت به‌عنوان نماد وحدت ملی ترسیم می‌کردند. در این معنا ایستادگی در برابر شاه مخالفت با استقلال کشور خواهد بود (شکل ۲۳ و ۲۴- تهران مصور، ۲۲/۴/۲۴، ش ۱۸ و ۲۴/۴/۱۵، ش۱۱۳). این در حالی است که به اعتقاد فرقه، ظهور سلسله‌ی پهلوی و حکومت رضاخان را باید لحظه‌ی بنیادگذاریِ ستمِ ملی و بروزِ شکاف ملی در ایران تلقی کرد. چاپ کاریکاتورهایی با نمادنگاری مشابه در نشریات راست‌گرا، برای جناح چپ زنگ خطر دیکتاتوری را به صدا درآورد و نشریاتی چون «ایران ما» و «هراز» بارها در مورد ایجاد حکومتی مشابه حکومت رضاشاه هشدار دادند و مقالاتی درخصوص تحدید اختیارات پادشاهی مشروطه در چارچوب قانون اساسی به چاپ رساندند (شکل ۲۲- هراز، ۲۴/۴/۱۵، ش۱۸).

۵) خشونت نمادین و ماهیت تمامیت‌خواهانه فرقه دمکرات

هر گفتمانی، بنا بر استلزام‌های منطق درونی خویش، یا با توجه به مجموعه‌ی شرایط بیرونی در مورد برخی از مسائل بنیادی جامعه سکوت کرده یا از اظهارنظرِ روشن در باره‌ی آن‌ها اجتناب می‌کند. خوانش هر گفتمانی تنها زمانی امکان‌پذیر می‌شود که به چیزهایی توجه کنیم که آن گفتمان در مورد آن‌ها صحبت نکرده است. به همان نسبت که فرقه بر مسئله زبان به‌عنوان عامل تمایزبخش تکیه می‌کرد، گفتمان ناسیونالیسم رسمی درخصوص تمایزات قومی و هویتی مردم آذربایجان مانند لباس و زبان به دلیل احتراز از آشکار شدن پایگاه مردمی فرقه سکوت می‌نمود. اما زمانی که هیئت مذاکره کننده به ریاست پیشه‌وری با تمام رایزنی‌ها با دولت قوام و با وجود تظاهر طرفین به روش مسالمت‌آمیز به‌دلیل خودداری دولت قوام از به رسمیت شناختن خودمختاری آذربایجان، بدون دستاورد قطعی در ۲۳ اردیبهشت با یک هواپیمای روسی به تبریز بازگشت (میرزا صالح،۱۳۹۱: ۲۲۲)، تهران مصور در کاریکاتوری مردم آذربایجان را با لباس محلی مشخص نمود (شکل۲۵- تهران مصور،۲۵/۳/۳، ش ۱۵۴). این نشانه در فضای کلی تصویر به نوعی تعبیه شده است که مردم آذربایجان را تنها ناظر خشونت‌ها و جاه‌طلبی‌های فرقه نشان می‌دهد. در این تصویر آذربایجانیان همانند قاضی بیطرفی با اشراف به ماهیت خارجی و اهداف فرقه، مرگ و به دار زدن آنان را به‌عنوان مجازاتی بسزا مشروع می‌دانند و از سرانجام کار فرقه بیمناک‌اند. ترسیم مرزی با سیم خاردار به دور آذربایجان به معنای اسارت و اشغال در این منطقه و در معنایی

www.SID.ir

Archive of SID

معکوس، آزادی در سایر نقاط ایران است. نمادهای خشونت و اصرار بر خصلت دیکتاتور از طریق راهکار فاصله‌گذاری به غیرسازی فرقه و ماهیت غیرمردمی آن می‌انجامد. در تضاد با بخش آرمان‌های جاه‌طلبانه‌ی فرقه در بالای تصویر، نماد چوبه دار به‌عنوان سرانجام محتوم هر دیکتاتور در پایین صفحه و با وجه نمایی بیشتر به باورپذیری جریان سرکوب فرقه کمک می‌کند. قرار دادن علامت سؤالی بزرگ و سفید در زمینه‌ای سیاه در کنار چوبه دار ذهن مخاطب را از تأمل درخصوص عمل سرکوب که عواقب اسفبار آن بی‌شک دامن مردم آذربایجان را هم خواهد گرفت، متوجه افرادی می‌کند که نقش سرکوبگر را ایفا خواهند کرد. سمت چپ تصویر جایگاه اطلاعات قدیمی و حافظه تاریخی است پس عاملین سرکوب شاه و ارتش هستند که پیش از این نیز نقش نجات بخش را در مواردی این چنینی ایفا کرده‌اند. این تأکید بر خلق و خوی جاه‌طلبانه رهبران جناح چپ و خشونت نمادین آنها به‌ویژه پس از خروج نیروهای شوروی از ایران در بسیاری از کاریکاتورهای تهران مصور تکرار شد (شکل‌های شماره ۷ و ۸ و ۱۹ و ۲۵ و ۲۶) تا هم اهداف ایدئولوژیک و دموکراتیک جنبش آذربایجان را به اهدافی شخصی تقلیل دهد و هم از گفتمان ناسیونالیسم رسمیِ هوادار اقتدار شاه فرافکنی کند و در نهایت اقدام سرکوبگرانه علیه فرقه را توجیه کند. سخنان دکتر یزدی در کلوپ حزب، که ورود وزرای توده‌ای به کابینه قوام را، به آن شترسواری تشبیه نمود که ابتدا سر شتر خود را وارد چادر اعرابی می‌کند و سپس کل چادر را تصاحب می‌نماید، سوژه مطلوب تهران مصور برای چاپ کاریکاتوری با همین مضمون شد تا به قوام در مورد قدرت گیری وزرای توده‌ای هشدار دهد (شکل ۲۶- تهران مصور، ۲۵/۶/۲۹، ش۱۷۰). ظاهراً پس از پیشروی ارتش در آذربایجان و فرار سران فرقه، شاه توسط شخصی به یزدی پیغام می‌دهد که من سر شتر را بریدم تا نتواند تنه خود را وارد خیمه بنماید (صدری و نیکبخت، ۱۳۸۶: ۲۹۸). کاریکاتوریست تهران مصور از ایده‌ها و نمادهای متداول در کاریکاتورهای اروپایی مثل نماد رطیل یا عنکبوت برای نشان دادن تمامیت خواهی دیکتاتورها و ترسیم پیشه‌وری استفاده می‌نمود تا راه سازش با آنان را ببندد. در زمان اشغال آذربایجان تصویری از ارتش (نماد قیچی) به قطع بازوهای دیکتاتور آذربایجان اقدام می‌کند و اولین بازویی که قطع می‌کند «مخالفت با شاه دوستی» است (شکل۳۰- تهران مصور،۲۵/۲/۲۰، ش۱۵۲ و ۲۵/۹/۲۲، ش ۱۸۲).

www.SID.ir

Archive of SID

۶) نفرت تاریخی از انگلستان

قرائن حکایت از آن دارد که انگلیسی‌ها همچون گذشته بی‌توجه به احساسات ناسیونالیستی ایرانیان نفوذ شوروی در مناطق شمالی را امری اجتناب‌ناپذیر تلقی کرده و به ایران اصرار می‌کردند تا به تقاضای روسها در مورد نفت پاسخ مثبت دهد (ریچاردکاتم، ۱۳۷۹: ۲۰؛ ساتن، ۱۳۷۲: ۱۳۶). آنان با طرح شکایت ایران در سازمان ملل به مخالفت برخاستند تا مبادا موقعیت خودشان در جنوب مشمول توجهی مشابه گردد. در عین حال اسناد حاکی از ارتباط نزدیک شاه و سفیر انگلستان در این دوران است (فاوست، ۱۳۷۴: ۲۶۱، آرامش، ۱۳۵۴: ۱۰۷)، اما کاریکاتورهای تهران مصور همزمان انگلستان و شوروی را به عنوان استعمارگر و غیرخارجی مورد حمله قرار می‌دهند (شکل ۲۷ و ۲۸- تهران مصور، ۲۴/۱۲/۱۷، ش۱۴۶ و ۲۵/۱/۲۳، ش ۱۴۸) تا با بهره‌گیری از ترس و نفرت تاریخی از انگلستان و تقویت وجه بیگانه‌ستیزی راه هرگونه مصالحه با شوروی را ببندند و همه نیروها را در مخالفت با جناح چپ منسجم سازند. به دنبال شیوه مسالمت‌آمیز قوام در برابر فرقه (زهتاب، ۱۳۷۳: ۲۳۶- ۲۴۱) که در نهایت به امضای موافقت‌نامه‌ای در تاریخ ۲۳ خرداد میان دولت و نمایندگان فرقه انجامید، اتحاد شیوخ خوزستان و مسلح کردن آنان جهت تجزیه جنوب آغاز شد (صدری و نیکبخت: ۲۶۹، ۲۸۲). این جنبش خودمختاری طلب چه توسط عوامل انگلستان با هدف تجزیه ایران طراحی شده بود و چه نقشه‌ای محرمانه از طرف شاه و ارتش با همکاری قشقایی‌ها و عناصری چون لنکرانی بود، هدفی یکسان را دنبال می‌کرد و آن تحت فشار قراردادن قوام و شوروی است (مراغه‌ای، ۱۳۸۱: ۴۱۲- ۴۱۹، شمشیری، ۱۳۹۰: ۱۴۰). با قیام جنوب ترس از انگلستان و خاطره تاریخی شورش عشایر از جمله شیخ خزعل دوباره زنده شد (شکل۳۱- ناهید، ۲۸ اسد ۱۳۰۳، ش ۲۵) چراکه انگلستان می‌خواست با نفوذی که در برخی رهبران حزب توده داشت، کارگران صنعت نفت را به اغتشاش بکشاند و سپس به بهانه فقدان امنیت نیروهای خود را وارد ایران نموده و اداره خوزستان را به دست شیخ عبدالله پسر شیخ خزعل بدهد. در کاریکاتوری به این مناسبت غائله آفرینان شمال و جنوب از چند نظر متفاوتند، در شمال مهاجرین با کلاه و اونیفورم روسی به یک اشاره شوروی و با قصد از بین بردن استقلال و مرکزیت سیاسی ایران مشتاقانه وارد ایران شده‌اند اما شورشیان جنوب با لباس قومی و محلی خود و با فشار

www.SID.ir

Archive of SID

انگلستان و در واکنش به سازش قوام با فرقه دمکرات سلاح به دست گرفته‌اند (شکل۲۹- تهران مصور، ۲۵/۷/۵، ش۱۷۱). مثل این است که قیام جنوب چالشی هویتی برای گفتمان ناسیونالیسم رسمی محسوب نمی‌گردد و حساسیتی در مورد ترسیم نمادهای تمایزبخش قومی در مورد آنان وجود ندارد.

نتیجه

کاریکاتورهای تهران مصور به شکل مؤثر از زمینه و بافت تاریخی که بی‌شباهت به شرایط بحرانی ایران در مشروطه دوم نیست، برای تثبیت مؤلفه‌های گفتمان ناسیونالیسم رسمی بهره بردند. شرایطی که در نهایت به توافق دو استعمارگر و اشغال ایران منتهی گشت. با آشکار شدن اولین نشانه‌های بحران، تهران مصور از نماد مهاجران آذری و روس‌ها به‌عنوان گردانندگان بحران آذربایجان استفاده کرد. رابطه همنشینی میان این دو از طریق نمادها و بُردارهای تصویری و همچنین فقدان نماد و نشانه‌ای مستقل برای بازنمایی فرقه دمکرات، فرقه را به‌عنوان «دیگری فراسرزمینی» غیریت‌سازی می‌کرد و این معنایی جزء انکار پایگاه مردمی فرقه نداشت. مثل این که نه بحرانی هویتی بلکه تجاوزی خارجی رخ داده است. پس از خروج نیروهای شوروی از ایران، پیشه‌وری همراه با نمادهای دیکتاتوری به‌عنوان نماینده فرقه ترسیم می‌شود تا اهداف دمکراتیک جنبش آذربایجان را به اهدافی جاه‌طلبانه و شخصی تقلیل دهد. نمای دور، زاویه مورب، فقدان خط نگاه و یا نگاه خیره در اغلب تصاویر با توجه به فرانقش میان فردی به این غیرسازی کمک می‌کند و راه ایجاد هرگونه رابطه‌ی همدلانه را سد می‌نماید و تصاویری با معنا عرضه می‌کند که در آن مشارکان تنها به‌عنوان موضوع مورد مطالعه و تامل به مخاطب ارائه می‌گردند. همزمان با حضور نیروهای شوروی در برخی کاریکاتورهای تهران مصور از طریق ترفندهایی چون برجسته‌سازی «دیگری بزرگ»، زاویه دید از بالا، ترسیم بخشی از کنشگران مانند دست استعمار و منفعل نشان دادن خودی، روابط قدرت حاکم می‌گردد تا ستم ملی مورد ادعای فرقه واهی و لزوم ناجی و سرپرستی برای نجات مام میهن ضروری جلوه داده شود. از موقعیت چپ- راست با توجه به فرهنگ نوشتاری ایران برای توافق همگانی در مورد اتهامات مورد ادعا در خصوص اهداف جناح چپ و شوروی به خوبی استفاده شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

اطلاعات عرضه شده به‌عنوان وقایع پیش رو و جدید در سمت چپ تصاویر با توجه به اطلاعات سری که در اختیار دست‌اندرکاران تهران مصور بود، به جلب اعتماد مخاطب و تثبیت معناهای کاریکاتورهای بعدی کمک می‌کند. تهران مصور برای فراخوانی مجدد مؤلفه‌های گفتمان ناسیونالیسم رسمی از گنجاندن هر گونه نمادهای تمایزبخش قومی مانند زبان و... خودداری می‌کند و به تقلید از نمادنگاری پیش از شهریور بیست برای تجسم ملت از نمادهای قابل تصور و ملموس مانند نقشه، درخت، مادر وطن، تاریخ و شاهان پراقتدار و... استفاده می‌نماید. گفتمان جنسیت و خشونت در نمادنگاری کاریکاتورها به تقویت غیرت ملی، روح میهن‌پرستی و توجیه عملیات ارتش در آذربایجان انجامید. در همه تصاویر نمادهایی حاکی از توطئه و نفاق، خشونت نمادین، صفات تمامیت‌خواهانه رهبران حزب توده و فرقه دمکرات با شعارها و نمادهای دموکراتیک همراه است تا هم غیرسازی فرقه تشدید گردد و هم فرقه نتواند به شکلی مشابه مرکز به شعارهای ناسیونالیستی و دمکراتیک متوسل گردد. مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، قانون اساسی، مجلس با توجه به دو معنای کلیدی ناسیونالیسم رسمی یعنی حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند و حتی موهوم جلوه داده می‌شوند تا به‌عنوان عوامل ایجابی هویت ملی از طرف فرقه مورد بهره‌برداری قرار نگیرند و تمام راه‌های دمکراتیک و مسالمت‌آمیز حل بحران مسدود گردد. تا قبل از بحران آذربایجان، شاه با ظاهری موجه به‌عنوان نماد وحدت ملی ترسیم می‌گردد اما در طول بحران شاه غایب است و تنها در محور همنشینی با نمادهایی نظیر ارتش، شاهان اسطوره‌ای و... حاضر سازی می‌گردد. درست همزمان با اشغال آذربایجان توسط ارتش دوباره تصویر شاه در تصاویر حضور مستقیم و پررنگی پیدا می‌کند. سمبل‌های انگلستان مانند جان بول و... در این کاریکاتورها در تداعی تاریخ مطامع استعمار و تثبیت معانی مورد نظر گفتمان ناسیونالیسم رسمی بسیار مؤثر است. این معانی توسط حافظه تاریخی ایرانیان درخصوص احتمال سازش بیگانگان برای تجزیه ایران پشتیبانی می‌شد. ابژه سازی شخصیت‌هایی که مانع اهداف گفتمان مدرنیسم پهلوی هستند مانند دکتر مصدق، قوام‌السلطنه و پیشه‌وری از ترفندهای رایج در کاریکاتورهای تهران مصور است. در نهایت معنای ضمنی همه تصاویر همراه نمودن افکار عمومی با سرکوب نظامی فرقه بود تا راه برای اقتدار شاه و ارتش به‌عنوان حافظ استقلال کشور باز کند.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

- آذربایجان، ۸/۱۴/ ۱۳۲۰، ش۲.
- آذربایجان، ۱۳۲۰/۹/۲۴، ش۱۳.
- آذربایجان، ۱۳۲۰/۱۲/۳، ش۳۱.
- آذربایجان، اوقتیابر- نویابر، ۱۹۴۵، نمره ۳-۴.
- آیینه غیب نما، ۹رمضان ۱۳۲۵ق.
- ایرانشهر، ۱۳۰۳، ش ۶/۵: ۳۵۵.
- ایران ما، ۷/۱۱/ ۱۳۲۴، ش ۱۲.
- بررسی‌های تاریخی، اسفند ۱۳۵۵، ش ۶۷.
- تهران مصور، ۲۲/۴/۲۴، ش ۱۸.
- تهران مصور، ۲۲/۹/۱۸، ش ۳۷.
- تهران مصور، ۲۳/۷/۲۸، ش ۷۸.
- تهران مصور، ۲۴/۴/۱۵، ش ۱۱۳.
- تهران مصور، ۲۴/۶/۲، ش ۱۲۰.
- تهران مصور،۲۴/۶/۳۰، ش ۱۲۳.
- تهران مصور، ۲۴/۷/۶، ش ۱۲۴.
- تهران مصور، ۲۴/۷/۲۷، ش ۱۲۷.
- تهران مصور، ۲۴/۹/۲۳، ش ۱۳۵.
- تهران مصور، ۲۴/۱۰/۱۴، ش ۱۳۷.
- تهران مصور، ۲۴/۱۰/۲۸، ش ۱۳۹.
- تهران مصور، ۲۴/۱۱/۵، ش ۱۴۰.
- تهران مصور، ۲۴/۱۱/۱۹، ش ۱۴۲.
- تهران مصور، ۲۴/۱۲/۱۷، ش ۱۴۶.
- تهران مصور، ۲۵/۱/۲۳، ش ۱۴۸.
- تهران مصور، ۲۵/۲/۲۰، ش ۱۵۲.
- تهران مصور، ۲۵/۳/۳، ش ۱۵۴.
- تهران مصور، ۲۵/۳/۱۷، ش ۱۵۶.

www.SID.ir

Archive of SID

- تهران مصور، ۲۵/۴/۲۸، ش ۱۶۲.
- تهران مصور، ۲۵/۶/۲۹، ش ۱۷۰.
- تهران مصور، ۲۵/۷/۵، ش ۱۷۱.
- تهران مصور، ۲۵/۷/۱۹، ش ۱۷۳.
- تهران مصور، ۲۵/۹/۱۵، ش ۱۸۰.
- تهران مصور، ۲۵/۹/۲۲، ش ۱۸۲.
- فرنگستان، ۱۳۰۳، ش ۵: ۲۵۴.
- فریاد، ۱۳۲۲، ش ۲۱.
- مردم، ۲۴/۱۰/۱۹، ش ۱۴.
- مردم، ۲۴/۱۰/۱۷، ش ۱۲.
- ناهید، ۲۸ اسد ۱۳۰۳، ش ۲۵.
- هراز، ۲۴/۴/۱۵، ش ۱۸.
- مشروح مذاکرات مجلس دوره ۱۴، جلسات ۱۳۴ و ۱۴۲ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۷۶ و ۱۷۸ و ۱۸۱ و ۱۸۳ و ۱۶۲.
- آبراهامیان، یرواند (بی‌تا)، «***حزب توده و فرقه دمکرات***»، ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، نشریه یغما، ش ۳۲.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴)، ***ایران بین دو انقلاب***، ترجمه احمد گل‌محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی، تهران.
- آرامش، احمد و رائین، اسماعیل (۱۳۵۴)، ***هفت سال در زندان آریامهر***، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اتابکی، تورج (۱۳۷۶)، ***آذربایجان در ایران معاصر***، ترجمه محمدکریم اشراق، نشر طوس، تهران.
- اردبیلیان، لطفعلی (۱۹۸۱)، فداییلر آذربایجان خلقینین ۲۱ آذر نهضتینده (۱۳۲۴–۱۳۲۵)، باکی، ***آذربایجان روزنامه سینین نشریه سی***، مصحح محمد قوامی www.achiq.info.
- بابک معین، مرتضی (پاییز ۱۳۸۸)، «خوانش گفتمان کاریکاتور بر اساس طرحواره تنشی»، ***فصلنامه پژوهشنامه فرهنگستان هنر***، شماره ۱۴.
- بولارد، سرریدر (۱۳۶۳)، ***شترها باید بروند***، ترجمه حسین ابوترابیان، نشر نو، تهران.
- پیشه‌وری، جعفر (۱۳۷۷)، ***آخرین سنگر آزادی***، به کوشش رحیم رییس نیل، تهران، مؤسسه

www.SID.ir

Archive of SID

نشر و پژوهش شیرازه.
- پیشه‌وری، جعفر، ***خاطرات***، ترجمه حاتملوی، به نقل از سایت آچیق سؤز، ارگان سازمان «جنبش فدرال دمکرات آذربایجان».
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، ***روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان***، تهران، فرهنگ گفتمان.
- تفرشی، مجید (پاییز و زمستان ۱۳۷۰)، «***گزارشی از فروش روزانه نشریات در تهران (اسفند ۱۳۲۳ - اردیبهشت ۱۳۲۴)***»، گنجینه اسناد.
- جزنی، بیژن (بی‌تا)، ***تاریخ سی ساله ایران***، بی‌جا، بی‌نا.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، ***مبانی نشانه شناسی***، ترجمه مهدی پارسا، تهران، سوره مهر.
- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۶)، «هویت ملی در شعارهای انقلاب اسلامی»، ***فصلنامه مطالعات ملی***، ۳۱، سال هشتم، شماره۳.
- حسنلی، جمیل (۱۳۸۳)، ***فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای اتحاد جماهیر شوروی***، ترجمه منصور همامی، تهران، نشر نی.
- دانسی، مارسل (۱۳۸۷)، ***نشانه شناسی رسانه‌ها***، ترجمه گودرز میرانی و بهزاد دوران، تهران، چاپار، آنیسه نما.
- دبیری، مصطفی (۱۳۸۶)، ***بحران آذربایجان***، تهران: نشر نامک.
- رفیع ضیایی، محمد (بهمن و اسفند ۱۳۸۱)، «***کاریکاتور گذشته ایران***»، کیهان کاریکاتور، ش ۱۳۱ و ۱۳۲.
- زهتاب فرد، رحیم (۱۳۷۳)، ***خاطرات در خاطرات***، ج اول، تهران، ویراستار.
- ساتن، الول (۱۳۷۲)، ***نفت ایران***، ترجمه رضا رئیسی، انتشارات صابرین، بی‌جا.
- سجودی، فرزان (۱۳۸۸)، ***نشانه شناسی: نظریه و عمل***: مجموعه مقالات، تهران، علم.
- شاهرخ، فرزاد (۱۳۸۵)، ***تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان و نقش پیشه‌وری در آن***، ج ۲، تهران، شیرین.
- شمشیری، مهدی (۱۱خرداد ۱۳۹۰)، ***پنج ترور تاریخی راهگشای صدارت مصدق***، Lulu.com.
- شهبازی، رامتین (۱۳۹۳)، ***نشانه شناسی فرهنگی تاریخ ادبیات و تئاتر ایران (۱۳۳۰-۱۳۰۰)***، تهران، نشر علم.
- صدر، ضیاء (۱۳۷۷)، ***کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان***، تهران، اندیشه نو.
- صدری منیژه و رحیم نیکبخت (۱۳۸۶)، ***پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد و***

www.SID.ir

Archive of SID

خاطرات منتشر نشده، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- ضیمران، محمد (۱۳۸۲)، ***درآمدی بر نشانه شناسی هنر***، تهران، نشر قصه.
- طلوعی، محمود (۱۳۶۹)، ***ترس از انگلیس***، انتشارات هفته، تهران.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۴)، ***بحران دموکراسی در ایران***، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران.
- علیزاده، حسین (بی‌تا)، ***حکومت ملی آذربایجان مروری بر رویدادهای سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۴ آذربایجان و نسل کشی ۲۱ آذر***.
- عمیدی نوری (۱۳۲۵)، ***فرقه دموکرات***، انتشارات روزنامه داد، بی‌جا، ۱۳۲۵.
- فاوست، لوئیس (۱۳۷۴)، ***ایران و جنگ سرد بحران آذربایجان (۲۵-۱۳۲۴)***، ترجمه کاوه بیات، انتشارات وزارت امور خارجه.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۹۶)، ***سال‌های سپری شده: خاطرات محمدعلی فرزانه***، ب ک صدیقه عدالتی، نیما قوسی (فرزانه)، قم آوای منجی.
- فرقه‌ی دموکرات آذربایجان، ***قطعنامه پایانی کنگره‌ی خلق آذربایجان***، قابل دسترسی در: http://www.adf-mk.org.
- فوران، جان (۱۳۷۷)، ***مقاومت شکننده***، ترجمه احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- کاتم، ریچارد و... (۱۳۷۹)، ***نفت ایران، جنگ سرد و بحران آذربایجان***، ترجمه کاوه بیات، تهران، نشر نی.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۰)، ***دولت و جامعه در ایران : انقراض قاجار و استقرار پهلوی***، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
- کاشانی‌ثابت، فیروزه (۱۳۸۹)، ***افسانه‌های مرزی***، مترجم ابوالفضل کلانکی، تهران: کتاب سرا.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (اسفند ۱۳۵۵)، ***«آثاری از هنرمندان ایرانی مربوط به شاهنشاهی پهلوی»***، بررسی‌های تاریخی، شماره ۶۷ از ۳۴۳ تا ۳۸۲.
- مرادی مراغه‌ای، علی (۱۳۸۱)، ***از زندان رضاخان تا صدر فرقه دمکرات آذربایجان***، تهران: نشر اوحدی.
- مرسلی گنبری، احمدعلی (شهریور ۱۳۸۸)، ***خوانشِ گفتمان ناسیونالیستی در آذربایجان ایران از منظر انتقادی***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ملازاده، حمید (۱۳۷۶)، ***رازهای سر به مهر***، تبریز، انتشارات مهدآزادی.

www.SID.ir

Archive of SID

- ـــــــــــــ (۱۳۹۱)، ***سیری در کوچه‌های خاطرات***، گردآورنده سعید ملازاده، تبریز، انتشارات ارک.
- ملکی، خلیل (۱۳۶۰)، ***خاطرات***، تهران، انتشارات رواق.
- مهدی نیا، جعفر (۱۳۶۵)، ***زندگی سیاسی قوام السلطنه***، انتشارات پاسارگاد، تهران.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۹۱)، ***خاطرات سیاسی قوام السلطنه***، تهران، معین.
- ناصحی، ابراهیم (۱۳۸۴)، ***غائله آذربایجان در رهگذر تاریخ و چهره‌ی پیشه وری در آیینه فرقه دموکرات***، تبریز، ستوده.
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۵)، ***انسان، نشانه، فرهنگ***، تهران، افکار.
- یکانی زارع، پرویز (۱۳۸۲)، ***میرزا نوراله خان یکانی زارع: از پس غبار زمان***، ارومیه، یاز.

- Ansari, Ali M., (2003), ***Modern Iran the Pahlavis and After***, Routledge.Taylor&Francis Group, London and New York.
- Brummett, Palmira, (2000), ***Image and imperialism in the Ottoman revolutionary press***, *1908–1911*, State University of New York Press, Albany.
- Davidn, Yaghoubian, (2014), ***Ethnicity, Identity, and the Development of Nationalism in Iran***, Syracuse University Press, Syracuse, New York.
- Jewitt, C. and Oyama, R. (2001), '***Visual Meaning: A Social Semiotic Approach***', in Handbook of Visual Analysis, Sage Publications Ltd, London.
- Kress, G and Van Leeuwen, T (1996), ***Reading Images: The Grammar of Visual Design***, Routledge.
- Kress, G and Van Leeuwen, T(2006), ***Reading Images: The Grammar of Visual Design***, Routledge.
- Michael Amin, Camron (2001), Selling and Saving "Mother Iran": Gender and the Iranian Press in the 1940s, ***International Journal of Middle East Studies***, Volume 33.
- Najmabadi, Afsaneh, (2005) ***Women with Mustaches and Men without Beards Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity***, Berkeley: University of California Press.
- Performing the Iranian state: visual culture and representations of Iranian identity (2013), edited by Staci Gem Scheiwiller, UK and

www.SID.ir

Archive of SID

USA by ANTHEM PRESS, P2, 8, 46-Shiva Balaghi, "Political Culture in the Iranian Revolution of 1906 and the Cartoons of Kashkul," in Political Cartoons in the Middle East, ed. Fatma Müge Göçek (Princeton: Markus Wiener Publications, (1998), 64–8.

- Van Leeuwen, Theo, (2005) ***Introducing social semiotics***, London and New York: Routledge.

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۱ - آذربایجان، ۲۴ آذر ۱۳۲۰، ش۱۳

شکل ۲- تهران مصور، ۲شهریور۱۳۲۴، ش۱۲۰

شکل ۳- تهران مصور، ۳۰ شهریور ۱۳۲۴، ش۱۲۳

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۴- تهران مصور، ۲۷ مهر ۱۳۲۴، ش ۱۲۷

شکل ۵- مردم، ۱۷ دی ۱۳۲۴، ش۱۲

شکل ۶- تهران مصور، ۱۴دی ۱۳۲۴، ش۱۳۷

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۷- تهران مصور، ۲۸ تیر ۱۳۲۵، ش۱۶۲

شکل ۸- تهران مصور، ۱۹مهر ۱۳۲۵، ش۱۷۳

شکل ۹- تهران مصور، ۱۸ آذر ۱۳۲۲،ش۳۷

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۱۰-Brummett,Palmira,2000,P108

شکل ۱۱- تهران مصور، ۲۸ مهر ۱۳۲۳، ش۷۸

شکل ۱۲- مردم، ۱۹دی ۱۳۲۴- ش۱۴

شکل ۱۳- تهران مصور، ۶مهر ۱۳۲۴، ش۱۲۴

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۱۴-تهران مصور، ۲۸ دی ۱۳۲۴، ش۱۳۹

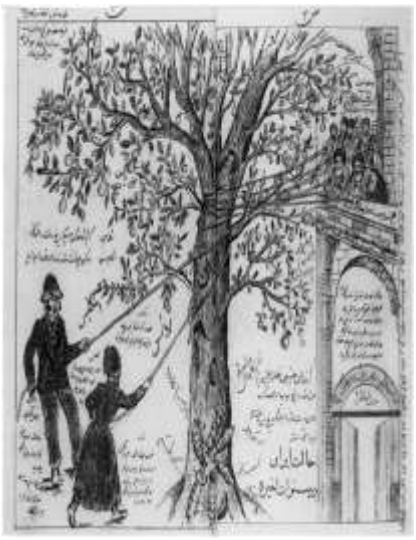

شکل ۱۵- تهران مصور، ۱۹بهمن ۱۳۲۴، ش۱۴۲

شکل ۱۶- آیینه غیب نما، ۹ رمضان ۱۳۲۵ق.، ش۱۹

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۱۷- تهران مصور، ۵بهمن ۱۳۲۴، ش ۱۴۰

شکل ۱۹- تهران مصور، ۱۵ آذر۱۳۲۵، ش ۱۸۰

شکل ۱۸- تهران مصور، ۱۷خرداد ۱۳۲۵، ش ۱۵۶

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۲۰-تهران مصور، ۲۳آذر ۱۳۲۴، ش۱۳۵

شکل ۲۱- بررسی‌های تاریخی، اسفند ۱۳۵۵، ش۶، ۳۴۳

شکل ۲۲- هراز، ۱۵تیر ۱۳۲۴، ش۱۸

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۲۳- تهران مصور، ۲۴ تیر ۱۳۲۲، ش ۱۸

شکل ۲۵- تهران مصور، ۳خرداد ۱۳۲۵، ش۱۵۴

شکل ۲۴- تهران مصور، ۱۵ تیر ۱۳۲۴، ش۱۱۳

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۲۶- تهران مصور،۲۹شهریور ۱۳۲۵، ش ۱۷۰ شکل ۲۷- تهران مصور، ۲۳فروردین ۱۳۲۵، ش۱۴۸

شکل ۲۸- تهران مصور، ۱۷ اسفند ۱۳۲۴، ش۱۴۶ شکل ۲۹- تهران مصور، ۵مهر ۱۳۲۵، ش۱۷۱

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۳۰- تهران مصور، ۲۰اردیبهشت ۱۳۲۵، ش ۱۵۲ و ۲۲ آذر ۱۳۲۵، ش۱۸۲

شکل ۳۱- ناهید، ۲۸ اسد ۱۳۰۳، ش ۲۵

www.SID.ir